



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرگ برای ما بریا لیم
و سگهای زنجیریش

بها: ۵۰۰ ریال

آبان ۶۷ - ۳۰ صفحه

سال سوم - شماره ۲۲

ایورتونیزم و مسئله تمرکز در نیروهای سرکوب رژیم

(قسمت دوم)

انتخاب رفتن جانی برای ایجاد سپاه و ارتش در یکدیگر فرصت جدیدی
همانندگی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بود تا راه کارگر نیز مواضع انحرافی
و فرمان خمینی مبنی بر "حذف یا انقاص خویش را در این زمینه عرضه کند. البته
سازمانها و تشکیلات تکراری و غیر راه کارگر در چند سال گذشته، پس از
ضروری "و بخصوص طرح سوالی در رابطه با " لایروبی روسی - روسی -
انحلال یا عدم انحلال سپاه و مسئله انقاص

در صفحه ۸

باج و خراج در دادگاه لاهه، جلوه‌ای از مبارزه جمهوری اسلامی با آمریکا

صفحه ۳۰



در صفحات دیگر:

سگهای زنجیری امپریالیزم

صفحه ۳۰

* قطعنامه اعتراضی بناهنگان

و آوارگان ایرانی در ترکیه ۲۰

* اخبار ۲۷

* روز شمار آبان ماه ۲۹

* شهدای آبان ماه

چریکهای فدایی خلق ایران

۲۹

بر علیه موج گسوده

دستگیریه و اعدامهای اخیر

بیا خیزید!

صفحه ۱۲

گزیده‌هایی از راه یو سدهای چریکها:

تشدید اعدامهای وحشیانه زندانیان سیاسی توسط

دژ خیمان جمهوری اسلامی

تشدید فشار بر آوارگان ایرانی توسط رژیم های

وابسته به امپریالیسم

خرابیهای جنگ، نعمتی برای غارتگری بیشتر امپریالیستها

صفحه ۲۱

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

جمهوری اسلامی و مسئله بازسازی

از صفحه ۱

کمیابی، از مالیاتهای سنگین، از فقدان امکانات درمانی و آموزشی و رفاهی و از زندگی کوبنی و آخانها و فنارهایی که به بهانه جنگ بر آنها تحمیل می‌گردید، غلامی یابند و اگر با در نظر گرفتن اثرات وخامت بار جنگ در کلیه عثونات جامعه و خساراتی که این جنگ چه به مراکز و موسسات عمومی و چه به خانه و کاشانه مردم وارد ساخته است، مفهوم بازسازی برای توده‌های ستمدیده ما کمک به آوارگان جنگی و خسارات دیدگان از جنگ، ترمیم و نوسازی مدارس، بیمارستانها و غیره و خلاصه بازسازی شهرها و روستاهای ویران شده از جنگ و بدین طریق بهبود نسبی شرایط زندگی توده‌ها معنی میدهد. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت خویش سودای دیگر در سر داشته و سیاست ضدانقلابی معینی را در رابطه با امر "بازسازی" دنبال میکند.

جنگ ایران و عراق یک جنگ امپریالیستی بود که رژیم مزدور جمهوری اسلامی طی آن با کوبیدن بر طبقات جنگ، بسته بسته جوانان کشور را به قربانگاه میفرستاد، کودکان را بمنابه "نیروهای یکبار مصرف" بمیدانهای مین روانه میکرد، با توسل به بشرمانه ترین روشها به اخاذی و چپاول

توده‌ها میپرداخت و به اعتبار فقر و فلاکت توده‌ها و تحمیل مصائب به شمار بر آنان بخش عظیمی از بودجه کشور را برای راه اندازی و تقویت ماشین جنگی اختصاص میداد و خلاصه این رژیم وابسته با غارت و استثمار بشرمانه توده‌ها و ارتکاب به فجیعترین جنایات در طول این جنگ سیاست ارتجاعی را پیش میبرد که تماما در خدمت تامین منافعی امپریالیستها و سرمایه داران وابسته قرار داشت و ما شاهد آن بودیم که سیاست امپریالیستها مبنی بر سرکشی کردن بحرانهای خویش بر دوش توده‌های ما، سرکوب مبارزات آنان، میلیتاریزه کردن منطقه در طی ۸ سال جنگ چگونه پیش رفت و جنگ چه فوائد عظیمی را نصیب انحصارات امپریالیستی نمود.

اکنون در شرایطی که سیاست امپریالیستی مبنی بر تداوم جنگ تغییر یافته و رژیم با حرکت در جهت خاتمه جنگ، "بازسازی" را بعنوان سیاست اعلام شده خود مطرح نموده است با توجه به ماهیت وابسته به امپریالیسم رژیم جمهوری اسلامی باید دید "بازسازی" در قاموس این رژیم چه مفهومی دارد و تحت این پوشش قرار به تحقق کدام اهداف و مقاصد ضدانقلابی است و رژیم در جهت تامین منافع امپریالیستها و سرمایه داران

وابسته در ایران این بار با هر چه "بازسازی" چه خوابهای غومی برای خلقهای ما دیده است.

آنچه مسلم است این است که رژیم جمهوری اسلامی بدلیل ماهیت ضد خلقی خویش، بخصوص با توجه به شرایط وخامت بار اقتصادی و ورید کمتری کاملی که در آن بسر میبرد قادر به پاسخگویی به انتظارات و خواسته‌های توده‌ها در رابطه با امر بازسازی نمیباشد. با اینحال سردمداران رباکار رژیم از این امر غافل نیستند که جهت جلوگیری از غلبان خشم توده‌ها نسبت به فریبکاریهائی زده و وعده و وعید اقداماتی را در جهت ایجاد رفاه و تسهیلات چندی در شرایط زیستی آنان بدهند و حتی عنبروان بر طمطراق ایجاد "یک رفاه نسبی" برای عموم مردم را در برنامه بازسازی خویش یکنجاندند و از توجه به "مسائل عاطفی" نیز غفلت نکنند و بر این اساس بعضی امتیازات اجتماعی برای خانواده‌های مجروحین و کشته شدگان در جنگ الهیت به قیمت فشار بر روی بخشی دیگر از توده‌های مردم را تبلیغ نمایند. ولی علیرغم چنین اقدامات رباکارانه و تبلیغات همراه آن، آنچه بعد از قبول مفتضانه آتش بس و آغاز دوره بازسازی در عمل

روگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی



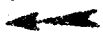
پیا ده میشود نه فقط رسیدگی به وضع نوده های میلیونی آسیب دیده از جنگ و ترمیم و بازسازی مراکز متعدد خدماتی ویران شده نمیباشد بلکه حتی ضرورت بازسازی کشور خود بهانه جدیدی جهت اخاذی از توده ها بدست رژیم ناده است و براین اساس سردمداران نژد و فاسسد جمهوری اسلامی به میدان آمده اند تا با شمارهای فریبکارانه همیشه گشتان در مورد نقت مردم در امر بازسازی بار مخارج ترمیم و نوسازی خرابیها و ویرانیهای ناشی از جنگ امپریالیستی و جنایتکارانه ایران و عراق را همچنانکه در مورد جنگ عمل نموده و در طی ۷ سال تحت عنوان کمک به جبهه ها به غارت و چپاول توده ها پرداختند همچنان بسه دوش مردم بیاندازند آنها تأکید می کنند که در امر بازسازی "باید از خود نیروهای مردمی استفاده شود" و نتیجه این سخنان چیز آن نیست که ایادی رژیم این بار بسه بهانه بازسازی و ضرورت همیاری و شرکت مردم در آن به جان توده های ستمدیده ما افتاده و با اخذ بالیاتها و عسوارض رنگارنگ به غارت آنان بپردازند. همچنانکه هم اینک هر جا که امکانش را می یابند عملا به آن دست می زنند و قاحت سردمداران رژیم در این مورد تابدا نجا است که هنوز بازسازی آغاز نشده خامنه ای با بیشرمی تمام به نیابت غیبی از طرف مردم تهران اعلام می کند که بازسازی خرمشهر را مردم تهران تقبل کرده اند و "متعهد" شده اند که خرمشهر را دوباره بسازند و به این ترتیب معلوم می سازد که قصد دارند میلیاردها تومان بودجه بازسازی خرمشهر را آنها البته بهمانگونه که در این مدت عمل کرده اند عمدتاً

بازسازی مراکز و ارگانهای سرکوب و محل تجمع پاسداران و دیگر نیروهای نظامی ضد خلقی را از طریق باج گیری از مردم تهران تامین نمایند.

علیرغم چنین واقعتهائی و علیرغم اینکه هم امروز حتی دانش آموزان مدارس نیز در پوشش کمک به امر بازسازی کشور مورد اخاذی و غارت قرار می گیرند، ایادی رژیم از تامین یک رفاه نسبی برای مردم سخن می گویند و حتی همانطور که گفته شد "شورای سیاست گذاری بازسازی کشور" این موضوع را جزء عناوین آن سیاست ذکر کرده است. بلکه تامین یک رفاه برای مردم؛ ولی البته رفاهی که "در حد معقول باشد و نه در اسراف و گشاده دستی" که توقعات بیجائی در کسی ایجاد نشود و به امر "مبارزه با فرهنگ مصرفی مردم" خللی وارد نگردد!!! اینها نیز گوشه ای از سخنان گردانندگان جمهوری اسلامی است و اینچنین است که تبلیغات رژیم در مواجهه با توده های خشمگین از جنگ و مصائب بی شمار آن که متوقع تامین حداقل آسایش برای خویش در دوره پس از جنگ می باشند، دچار تناقض می گسردند و در حالیکه این رژیم مجبور میشود برای فریب توده ها از یک "رفاه نسبی برای عموم مردم" دم بزند در عین حال ناچارا باید از زبان رهبر جنایتکارش خمینی مزدور از مبارزه با فرهنگ مصرفی مردم در دوران بازسازی سخن بگوید و آب پاکی روی دست همه کسانی بریزد که فکر می کردند با پایان یافتن جنگ و زیر سلطه جمهوری اسلامی حداقل "نفسی" خواهند کشید و مسلماً از رژیمی که جز فقر و فلاکت و تباهی و فساد هیچ ارمغانی برای مردم ما نداشته است و در این ده سال همیشه به قول معروف دست بگیر داشته است و نه دست بده، انتظاری جز این

اما اگر هدف رژیم از بازسازی کشور

ترمیم و نوسازی مناطق جنگی و خرابیها و ویرانیهای ناشی از جنگ در جهت رفع نیازمندیهای توده ها و بهبود شرایط زیستی آنها نیست، بازسازی مورد نظر رژیم یا همان باصطلاح "بازسازی به معنای وسیع کلمه"، چگونه بازسازی است و رژیم با چنین عنوانی مردم تحقق کدام اهداف ضد انقلابی بوده و پیشبرد چه سیاستهایی



را در مقابل خود قرار داده است. قبل از هر چیز باید بدانیم که از همان ابتدای طرح بازسازی کشور، این امر به صورت یکی از مباحث داغ هیئت حاکمه درآمده و بر بستر تضادها و اختلافات حاد فیما بین جناحهای مختلف آن، به عاملی در جهت رشد آن اختلافات و تضادها تبدیل گردید. بر این مبنا تعیین سیاست معینی در رابطه با امر بازسازی از طرف خمینی، به شورائی مرکب از سران سه قوه و نخست وزیر واگذار شد و این شورا تحت عنوان شورای سیاست گذاری در امر بازسازی شروع به کار نمود.

با نگاهی به آنچه که رسماً از طرف این شورا بعنوان محورهای سیاست بازسازی تعیین گردیده می توان تا حدودی به مفهوم "بازسازی" در نزد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پی برد.

خانمهای رئیس جمهور معلوم الحال رژیم در ۲۷ مهرماه محورهای فوق الذکر را چنین توضیح داد: ۱- بازسازی هدفهای مربوط به رشد و توسعه کشور ۲- تقویت بنیه دفاعی ۳- مسائل عاطفی و پشتیبانیهای لازم نسبت به خانوادههای شهدا و جانبازان و مفقودین و اسراء یعنی ایثارگران جنگ تحمیلی ۴- رفاه نسبی برای عموم مردم.

در مورد دو بند اخیر بهمانگونه که شرح رفت، هدف رژیم جز دامن زدن به یک سری تبلیغات فربیکارانه و حداکثر فائز شدن امتیازاتی چند برای خانوادههای قربانیان جنگ به ضرر بخشی از تودههای ستمدیده چیز دیگری نمیباشد.

اما در مورد دو بند اول آنچه برای رژیم در درجه اول اهمیت قرار دارد، تقویت بنیه دفاعی و یا به

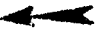
عبارت دیگر تقویت نیروهای مسلح و سرکوبگر رژیم می باشد. در این زمینه خمینی در ۱۱ مهرماه در پاسخ به نامه سران سه قوه و نخست وزیر "مسلوب الاختیار"ی با صراحت تمام از این امر دفاع نموده و بذل توجه هرچه بیشتر نسبت به قوای جنایت کار و سرکوبگر و تامین نیازمندهای آنها در برنامه های بازسازی قرار داده و می گوید "با قبول و اجرای صلح کسی تصور نکند که ما از تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع تسلیحاتی بی نیاز شده ایم، بلکه توسعه و تکامل صنایع و ابزار مربوط به قدرت دفاعی از اهداف اصلی و اولیه بازسازی است."

روشن است که مفهوم این سخنان جز آن نیست که همانگونه که در ۸ سال گذشته اکثر امکانات کشور صرف تقویت ارتش و دیگر زائده های آن گردیده هم امروز نیز باید چنان شود و اگر تا دیروز صرف میلیاردها دلار برای خرید اسلحه و تقویت قدرت دفاعی به بهانه جنگ انجام می شده امروز همان سیاست باید تحت عنوان "بازسازی به معنای وسیع کلمه" پیورفته و با ریختن میلیاردها دلار دیگر از بودجه و امکانات کشور به کام نیروهای مسلح و سرکوبگر رژیم تداوم یابد. حال اگر به واقعیت وابستگی بودجه دولتی به ارز حاصل از فروش نفت توجه کنیم و بدانیم که با سقوط قیمت نفت و کاهش ارزش دلار درآمتهای ارزی دولت از حدود ۲۰ میلیارد دلار در چند سال پیش، در خوش بینانه ترین حالت به حدود ۸ میلیارد دلار در سال اخیر رسیده است، می توانیم دریابیم که با قراردادن "تقویت بنیه دفاعی کشور" بمثابة هدف اصلی و اولیه بازسازی و در نتیجه

اختصاص بغیر اعظمی از بودجه دولتی برای نیروهای مسلح و سرکوبگر رژیم، بازسازی در قاموس این رژیم چه مفهومی می تواند بخود بگیرد. بخصوص که صادرات غیر نفتی رژیم نیز رقم قابل توجهی را تشکیل نمی دهد و صادرات غیر نفتی نیز بنا به گزارش خیرگزاری رویتر در مقایسه با ۶ ماهه اول سال گذشته ۲۵٪ کاهش یافته است. به این ترتیب معلوم می شود که اگر هدف "اصولی و اولیه بازسازی" تقویت ماشین نظامی رژیم است دیگر بودجه چندانی برای بازسازی "مناطق جنگی" و ایجاد باصطلاح يك "رفاه نسبی" برای عموم مردم باقی نمی ماند.

محور دیگری که شورای سیاست گذاری بازسازی کشور تعیین نموده "بازسازی هدفهای مربوط به رشد و توسعه کشور" نام دارد تحت این عنوان برطمطراق که آنقدر کلی و مبهم است که بهر شکل برای مزدوران رژیم قابل تفسیر است، رژیم خواستار ایجاد شرایط مناسب جهت رشد حرکت در آوردن هرچه وسیعتر سرمایه های امپریالیستی و دعوت دول و کمپانیهای امپریالیستی برای شرکت هرچه گسترده تر آنان در غارت و استثمار خلقهای ما می باشد.

از همان زمانیکه قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بطور دیکته شده مورد پذیرش رژیم قرار گرفته و آتش بس در جبهه های جنگ برقرار گردیده است و درست متعاقب اعلام آغاز دوره بازسازی از طرف سردمداران جمهوری اسلامی، روزی نیست که این یا آن دولت و کمپانی امپریالیستی جهت عقد قراردادهای اقتصادی و امضای موافقت نامه هائی مبنی بر سرازیر کردن سیل کالاها و سرمایه های امپریالیستی به



تاریخی که رژیم جمهوری اسلامی در سالهای اخیر بنفع اربابان امپریالیست خویش بر تمامی منابع مالی کشور زده است، قصد دارد آینده آن را نیز به تاراج بگذارد. مسلماً اخذ وامهای با مشروط اسارتبار از منابع مالی امپریالیستی در حالیکه جامعه ما را با تارهای هرچه بیشتری به امپریالیستها وابسته میسازد یکی از منابع سودآور برای امپریالیستها بشمار میرود.

عملکرد مکانیسم غارت منابع و استثمار خلقهای ما توسط امپریالیستها چه بصورت اعطای وامهای اسارتبار، چه بصورت در اختیار گرفتن بازار ۵۰ میلیونی ایران، و سرازیر کردن کالاهای خود و چه بصورت راه انداختن سرمایههای خویش برای ساختن پروژههای گوناگون و سیاه صور دیگر در شرایط کنونی نیازمند برقراری روابط دیپلماتیک و یا بقول معروف عادی سازی روابط رژیم با دول مختلف امپریالیستی است تا با ایجاد روابط دوستانه و رسمی و قانونی بین جمهوری اسلامی و دولتهای مذکور شرایط مناسب جهت حرکت سرمایههای امپریالیستی بسا مهیا شده و کمیانیهای امپریالیستی بسا تکنوکراتها و متخصصین خویش، با طیب خاطر وارد ایران شوند. در اینجاست که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی درست بدلیل ماهیت وابسته خویش در جهت تامین منافع اربابانش به تکاپو افتاده و مدتی است با طرح ضرورت عادی سازی روابط با دول مختلف امپریالیستی بسا شتاب و دستپاچگی مشغول برقراری روابط دیپلماتیک با آن دولتها شده است. و اینچنین است که رژیم که تا دیروز بر علیه دولتهای امپریالیستی شعار میداد

تسلیماتی و و ابزار مربوط به قدرت دفاعی " میباشد و اگر جهت بازسازی و ترمیم خرابیها و ویرانه های جنگ در حوزه های مختلف بهر حال دولت مجبور به اختصاص بودجه لازم برای این امر است، باید دید راههای کسب مبالغ مورد احتیاج دولت چگونه است و از کجا باید تامین گردد. سردمداران رژیم برای سن زمینه مطرح میکنند که " در وهله اول باید از امکانات داخلی و سپس از امکانات خارجی بهره گرفت " ولی امکانات داخلی عمدتاً جز تکیه بر درآمد نفت و اخذ مالیات از توده ها و چپاول دسترنج آنان تحت پوشش و عناوین مختلف مفهوم دیگری ندارد که در مورد چگونگی آن و عدم کفایت این منبع در تامین نیازهای دولت پیش از این اشاره شده ولی استفاده از " امکانات خارجی " امری است که رژیم شدیداً بدان دل بسته است و در این رابطه خواهان گرفتن وام از دولتها و بانکهای امپریالیستی است. اما هر کسی اینرا میدانند که گرفتن وام از دول امپریالیستی آنها با بهره های گراف و شروط اسارتباری که با اعطای وام از طرف امپریالیستها توأم میباشد، تنها باعث تشدید وابستگی کشور به سرمایه جهانی میگردد. امری که نانش را بایستد سردمداران مزدور جمهوری اسلامی بخورند و چوبش را توده های ستمدیده ما. چرا که تنها برای پرداخت بهره وامهای دریافتی کارگران و دیگر توده های خلق ما بایستد سالها به وحشیانه ترین شکل استثمار شوند. در حالیکه بخشی از آن وامها قبل از اینکه به ایران برسد به حسابهای رهبران رژیم در بانکهای خارجی ریخته خواهد شد و مفهوم عملی این قبیل اخذ وامها جز این نیست که علاوه بر چوب

ایران وارد کشور ما نشوند و خبر آن با آب و تاب از رسانه های رژیم پخش نگردد. مسلماً فواید عظیم جنگ ارتجاعی ایران و عراق برای امپریالیستها صرفاً به دوره ای که این جنگ جنایتکارانه جریان داشت محدود نمی گردید، بلکه این سود رسانی برای آنان دارای جنبه های گوناگونی بود و همانطور که ما بارها تأکید کرده بودیم فروش میلیاردها دلار سلاح در جریان این جنگ از طرف کمیانیهای امپریالیستی فقط می توانست یک قلم از لکونهای نجومی محسوب شود که آن زالو صفتان به قیمت خون و رنج توده های ستمدیده به جیب می زنند. هر ویرانی و خرابی که از آن سلاحهای مرگبار در جریان جنگ حاصل می گشت زمینه جدیدی برای مکیدن خون زحمتکشان برای این وامیبرهای خون آشام بود و بر همین اساس آنها سالها دندانهای خود را برای جولان وسیعتر سرمایه هایشان در شرایط پس از جنگ تیز کرده بودند تا این بار زیر عنوان بازسازی ویرانیهای ناشی از جنگ تحت مکانیسم دیگری، متفاسوت از مکانیسمی که در جریان جنگ برقرار بوده به غارت خلقهای ما پرداخته و سهم هرچه بیشتری را از حاصل استثمار کارگران ما نصیب خود سازند. همچنین باید توجه داشت که ۸ سال جنگ خسارات عظیمی ببار آورده و مناطق زیادی را ویران ساخته و بالنتیجه امر بازسازی ویرانیهای جنگ اگر بخواید در عمل بطور همه جانبه پیش رود به سرمایه و امکانات وسیعی نیازمند میباشد که از پیش روشن است در چارچوب امکانات جمهوری اسلامی نمی گنجد. از طرف دیگر اگر قرار به " تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع





و آنها را شیاطین کوچک و بزرگ خطاب میکرد امروز از ضرورت استفاده از امکانات خارجی " دم میزنند و از اینکه "استفاده از منابع تکنولوژی و تخصصی و علمی دیگران اشکالی ندارد" (۵) و شاید هم آنها باید جز " رهنمودهای " اسلام " بحساب آورد ، سخن میگویند و در حالیکه هنوز فریادهای باصطلاح ضد امپریالیستیک گوش فلک را کر میکنند از زبان لاریجانی معاون وزارت خارجه اش مطرح میکنند که ایران قصد ندارد سیاست درهای باز را مورد کشورهای اروپای غربی اعمال کند و در نشریات رژیم رسماً درباره عادی سازی روابط با امریکا (شیطان بزرگ) مطالبی درج می گردد و از مزایای " اکسپرا امریکا " سخن می رود . ولی اگر برای اشتیاق سران رژیم جهت علنی کردن روابط خود با امپریالیستها و برآه انداختن سرمایه های آنان در ایران محدودیتی نمی توان شناخت ، در واقعیت امر و در عمل رژیم جهت تحقق اهداف و مقاصد فوق الذکر با محدودیتهای چندی مواجه است .

رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی که مدتهاست در جنبه بحران اقتصادی شدیدی گرفتار است و بواقع پایان جنگ برای وی نه تنها بمنزله خاتمه بحران و رکود حاکم بر اقتصاد خویش نبوده بلکه برعکس تغییر سیاست امپریالیسم یعنی برپایان دادن به جنگ در بستر تشدید این بحران صورت گرفته است براحتی قادر به ایجاد زمینه های مناسب برای جولان بیشتر و گسترده تر

● از گفته های خامنه ای در نماز جمعه

سرمایه های امپریالیستی نمی باشد و در این زمینه با مشکلات عدیده ای مواجه است .

از جمله این مشکلات باید به تنگناهای زیربنایی اشاره کرد که از همان آغاز بمثابه سدی در مقابل راه اندازی هر چه گسترده تر سرمایه قرار گرفته و مانع از تحرك فعالتر آنها می گردد .

بدون شك اختصاص اکثر امکانات کشور به امر جنگ در طی ۸ سال اخیر و از بین رفتن بسیاری از امکانات پایه ای در طول جنگ ، در شرایطی که رشده جمعیت نیز شهیدا سیر صعودی داشته ، امکانات زیربنایی لازم برای سرمایه گذاری وسیع را هر چه بیشتر محدود ساخته است . بر همین مبناست که نخست وزیر رژیم هشدار می دهد که " اگر امکان افزایش تولید برو در کشور فراهم نشود دچار يك تنگنای عظیم اقتصادی خواهیم شد که چه بسا بتواند يك فلج کامل در کشور حاکم کند" و اضافه می کند که این فلج ممکنست رژیم را بقول اقتصاددانها با يك "حفره خفانی" مواجه سازد . و در همین رابطه است که قدرت مانور رژیم برای "بازسازی هدفهای مربوط به رشد و توسعه کشور" محدودیت خاصی می یابد و رژیم مجبور می گردد قبل از هر چیز به ترمیم و بازسازی صنایع نفت که درآمد اصلی اش نیز از آن حاصل می شود روی بیاورد و لذت لنگان به ایجاد زمینه هائسی بپردازد که امکان سرمایه گذاری امپریالیستی در ایران در قیاس هر چه بیشتر را درآینده فراهم نماید .

ولی علاوه بر وجود چنان مشکلاتی در زمینه اقتصادی در رابطه با امر فوق

مشکلات اجتماعی و سیاسی نیز بر سر راه رژیم قرار دارند . در این زمینه باید به دو واقعیت یکی به مساله مبارزات توده ها و وجود روحیه رزم جویانه در آنها که مانعی جدی بر سر راه اجرای سیاستهای ضد خلقی رژیم بوجود می آورند اشاره کرد و دیگری به تشدید روزافزون تضادهای درون هیئت حاکمه .

در مورد اخیر با توجه به شرایط وخامت بار اقتصادی رژیم و اثرات مخرب جنگ طولانی در عرضه های مختلف جامعه و بنظر کلی با توجه به مجموعه شرایط بحرانی که حتی بنابه اعتراف خود سردمداران مزدور رژیم را در آستانه سقوط و نابودی قرار داده است ، بخشهای مختلفی از درون طبقه حاکمه برای حفظ رژیم و نجات سیستم سرمایه داری وابسته ایران به میدان آمده و هر يك راه حل های متفاوتی را چه در زمینه چگونگی پیگیری مسائل اجتماعی و سیاسی و اعمال دیکتاتوری و کنترل مبارزات توده ها عرضه می کنند . ولی همین راه حل های متفاوت در اوضاع بسیار شکننده و در شرایطی که رژیم مذبحخانه برای فائق آمدن بر بحرانهای درونی خویش نیست و پامیزند به تضادهای درونی هیئت حاکمه شدت هر چه بیشتری داده و آنان را همچون گرگهای درنده به حسان یکدیگر می اندازد . همچنانکه بر اساس طرح امر بازسازی و ارائه سیاستهای گوناگون از طرف دست اندرکاران رژیم ، تضادهای درونی هیئت حاکمه تا آنجا تشدید شده که حتی به اعدام تعدادی از مزدوران رژیم منجر گردیده .



ارگان چریکهای فدائی خلق ایران



اثرات این امر در حرکات اقتصادی و اجتماعی رژیم کاملاً مشخص است. و عملاً دولت را از تعقیب برنامه‌های معین و تحریک لازم جهت اجرا امور برنامه‌ریزی شده بازمی‌دارد. بر همین اساس است که دولت و کمیته‌های امپریالیستی برای ایجاد شرایط مناسب جهت به حرکت درآوردن و وسعت سرمایه‌ها ایشان در ایران رژیم را تحت فشار قرار داده و خواهان ارائه خط مشی اقتصادی معینی از طرف رژیم و اطمینان بخشی در جهت تامین زمینه‌های لازم برای سودآوری سرمایه‌های خویش می‌باشند.

بنابراین فقدان انسجام در درون رژیم و آشفتگی دستگاه‌های اجرایی آن در حالیکه حرکت سرمایه‌های امپریالیستی نیازمند شرایط سیاسی با ثبات و معین و مشخص شده است به مانعی بر سر راه آن تبدیل گردیده و از گسترش و فعالیت هر چه بیشتر آنها جلوگیری می‌کند.

در رابطه با توده‌ها در شرایطی که رژیم قادر به پاسخگویی به انتظارات و خواسته‌های برخی آنان که طبیعتاً پس از از تحمل مصائب دهشتناک جنگ امروز با برقراری آنتی‌بر با قوت بیشتری نیز مطرح است، نمی‌باشد و در پی سیاست انداختن بار بخشی از هزینه‌های بازسازی بدوش توده‌ها، به چپاول و غارت دسترنج آنان نیز می‌پردازد، این امر موجب غلبان خشم هر چه بیشتر آنها گشته و به اعتراضات و مبارزاتشان شدت هر چه بیشتری می‌بخشد. از طرف دیگر اگر از یک جنبه، لازمه حرکت سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌گذارین امارت‌باز کمپانی‌ها و دولت امپریالیستی ایجاد "آرامش و

امنیت" دلخواه امپریالیستها یعنی خفه کردن هرگونه صدای اعتراض زحمتکشان در گلو و برقراری شرایط کاملاً مستحق در جامعه می‌باشد، این واقعیتی است که جمهوری اسلامی در طی ده سال حاکمیت ننگینش علی‌رغم ارتکاب به فجیع‌ترین جنایات در حد توده‌ها و اعمال وحشیانه‌ترین دیکتاتوری‌ها و برغم تلاشهای مذبحخانه‌اش در برقراری شرایط اختناق و ترور در جامعه، قادر به مسئولی ساختن روحیه یاس و ناامیدی در توده‌ها نشده و مردم قهرمان ما با تنگی زخمی ولی باروحي مقاوم و رزمنده، سرفرازانه در مقابل جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیست‌ها ایستاده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی در مواجهه با این واقعیت، و در حالیکه غرقه در بحران و تضادها و تناقضات پیچ در پیچ است، چه بدلیل وحشت از توده‌ها

و مبارزات روبه‌رشد آنان چه به لحاظ ایجاد زمینه‌های لازم جهت اجرای برنامه‌های اقتصادی خویش و تضمین سودآوری برای سرمایه‌های امپریالیستی، چاره‌ای جز روی آوردن به سرکوب هر چه شدیدتر توده‌ها ندارد و بهمین دلیل نیز تقویت و رشد و گسترش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی از اهداف اصولی و اولیه بازسازی تلقی شده و در اولویت قرار گرفته است و بر همین اساس است که مزدوران سرکوبگر رژیم بلافاصله پس از برقراری آنتی‌بیس در جبهه‌های جنگ و آغاز دوره بازسازی پوروش وحشیانه‌ای را برای نابودی انقلاب خلقهای ما سازمان داده و به اعتبار بار کشتار وحشیانه نیروهای انقلابی و اعمال فاجعه بار و جنایتکارانه در حق

زندانیان سیاسی، می‌کوشند فضای رعب و وحشت را در بین خلقهای قهرمان ما ایجاد کرده و شرایط ثبات و امنیت لازم را برای امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته و کلیه مرتجعین و دشمنان خلق فراهم نمایند.

بنابراین باید گفت که برای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اجرای برنامه‌های "بازسازی" و بخصوص "بازسازی هدفهای مربوط به رشد و توسعه کشور" چه از زاویه تنگناهای اقتصادی و چه از زاویه برخورد و حل مشکلات متعدد اجتماعی و سیاسی چندان امر آسانی نیست. وحشت از "فلج کامل" و کوشش برای رفع تنگناهای "عظیم" اقتصادی، از یک طرف و وحشت از اوچگیری مبارزات پرشکوه توده‌های پرکین ما از طرف دیگر خواب آرام را از چشمان مزدوران و گردانندگان حقیر جمهوری اسلامی ربوده است و در بستر همین واقعیت است که تلفات رژیم از جمله ایجاد "رونق اقتصادی" - که مورد زبان بعضی از سردمداران گفته است - به معنای هیچ تبدیل می‌گردد و از این لحاظ باید گفت که بواقع این رژیم فعلاً در شرایطی قرار ندارد که حتی اوضاع اقتصادی زمان شاه را بوجود آورد. اگر چه توده‌های ما و بویژه کارگران مبارز زمان به تجربه دریافته‌اند که نظام سرمایه‌داری وابسته چه در زمان رکود و چه با اصلاح در دوره رونق اثر در هر صورت بر استثمار وحشیانه و غارت و چپاول آنها استوار بوده و پاسخی جز سرکوب ددمنفانه خواسته‌های برخی‌شان در چنته ندارد.

با توجه به آنچه که گفتیم "بازسازی"

اپورتونیزم و مسئله تمرکز در نیروهای سرکوب رژیم

از صفحه ۱

پوپولیسیم و مبارزه پیگیر با آن" و پس از آنکه پیگیرانه بر علیه تئوری انقلاب پرولتاریا بیاخته و با مرزبندی با "جنبش چریکی" این "افتخار" را بدست آورده است که "زره تهمتنان و دستانان" را به تن کند و از زمانیکه انفا نموده که به يك "سازمان حقیقتا مارکسیست - لنینیست" تبدیل شده نشان داده است که در هر مسئله جنبش انقلابی می تواند با پیگیری کامل، عقب ماندگی رقت انگیز و مواضع اپورتونیستی را با وضوح هر چه بیشتری بنمایش بگذارد.

قهرمانان مبارزه با "جنبش چریکی" در رابطه با موضوع فوق الذکر نیز آنطور عمل کرده و چنان تحلیل مشعشی ارائه داده اند که تنها چیزی که در آن نمی توان یافت مارکسیسم است و البته از زمانی که انفا می کند سرنوشتش با "سرنوشت پرولتاریا" گره خورده است آنها با آن سوابق و مواضع برخشان و بیشتر از این هم انتظار نمی توان داشت.

راه کارگر بدون درک ماهیت قدرت دولتی در ایران و ماهیت امپریالیستی ارتش ایران و الزاماتی که نظام موجود را به تشکیل سپاه پاسداران واداشته است؛ در رابطه با مسئله تمرکز در نیروهای مسلح رژیم در شماره ۵۲ نشریه (*) خود می نویسد: "دوگانگی ساختاری نیروهای مسلح رژیم" ولایت فقیه" (بعنوان رژیم استثنائی با مختصات بنا پارتیستی و منتهی که در يك جنبش پوپولیستی تکوین یافته) اجتناب ناپذیر است و وجود دو "ارتش" در کنار هم تا زمانیکه از یکطرف تضادهای چنین روبنائی بازیربنا می آید آن از طریق قهر سازمان یافته های حمایتی سرکوب می شود، و از طرف دیگر این رژیم، بعنوان نیروی حاکم بر يك دولت بورژوازی، در چهارچوب وظایف عمومی چنین دولتی عمل می کند؛ الزامی است.

* - راه کارگر تیرماه ۶۷

وانگهی اگر نهادهای شدن امر انتقال از قهر ایدئولوژیک به قهر مادی، " (آنگونه که اقتضای يك حکومت منتهی است) به يك دستگاه ایدئولوژیک - نظامی متکی باشد بر پایه مالیت مکتب و شهادت و بسیج نا طلبانه و موقت، بدان معنی است که این دستگاه دیگر يك "ارتش مدرن بورژوازی" نمی تواند باشد؛ و هرگاه چنین دستگاه جدیدی به سبب عوامل متمسدد تاریخی - اجتماعی، قادر نباشد به سهولت مختصات و توانائیهای يك ارتش مدرن امروزی را کسب کند و همچنان نیازمند يك چوب زیر بغل "تخصصی" و "حرفه ای" و "دائمی" باشد این دوگانگی برای دوره ای طولانی چاره ناپذیر است و در انامه تحلیل مشع خود می افزاید: "به تبعیت از چنین منطقی، قدرت مسلح تحت فرمان "فقا" ساختاری دوگانه یافته است، و سپاه پاسداران و ارتش، با دو نظام اعتقادی، دو کاربای سیاسی، دو ساختار نهادهای و با تکیه گاههای مختلف و منابع تغذیه گوناگون تشکیل شده اند"

همانطور که مشاهده می کنید راه کارگر بنا به عادت همیشه خود با تکیه بر "ویژگی ایدئولوژیک" رژیم ایران به تحلیل مسئله "قدرت مسلح تحت فرمان" فقا" می پردازد و بالطبع با چنین تفکری و به "تبعیت از چنین منطقی" دیگر نمی توان در نزد راه کارگرها تحلیل علمی و واقعی نسبت به مسائل ایران را سراغ گرفت.

به "تبعیت از چنین منطقی" که هرچه بگردید از منطق مارکسیستی در آن چیزی نخواهید یافت؛ رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی به "رژیم ولایت فقیه" تبدیل می شود، رژیم "استثنائی" و "بنا پارتیستی" که آنقدر "استثنائی" است که نه "بورژوازی" است و نه "خرد بورژوازی" بلکه "هم این" است و "هم آن" به همین دلیل هم در دستگاه تحلیلی راه کارگر که به تبعیت از منطق "بنا پارتیستی" است

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسم نیست



بیشتر يك دستگاه "مخلوط کنی" است؛ حکومت منتهی ایران بدلیل "ویژگی ایدئولوژیک" اش باید به يك دستگاه ایدئولوژیک - نظامی متکی باشد تا "قهر ایدئولوژیک" را به نیروی مادی تبدیل کند. این دستگاه ایدئولوژیک - نظامی در نزد راه کارگر همانا سپاه پاسداران می باشد.

بر اساس این منطق الزامات موجودیت سپاه پاسداران را حفظ سلطه امپریالیزم و نظام بورژوازی وابسته و مقابله با جنبش انقلابی خلقهای ما ایجاب نکرده است بلکه این ارگان به دلیل "ویژگی ایدئولوژیک" رژیم "فقا" سازمان یافته و به همین دلیل هم باید بر اساس "شهادت و بسیج با طلبانه و موقت" نیرو جمع آوری نموده و خود را گسترش دهد و تا زمانی که نتواند نخبه های "ارتش مدرن بورژوازی" را کسب نماید "ارتش مدرن بورژوازی" ایران که تنها سال است امپریالیزم با اختصاص انرژی و بودجه های کلان در جهت "مدرنیزه" کردنش می کوشد، تنها نقش "چوب زیر بغل" آنرا ایفاء خواهد کرد. در نتیجه "دوگانگی ساختاری" نیروهای مسلح رژیم "فقا" تا "دوره ای طولانی" الزامات نخواهد یافت.

و قتی که ارتش ضد خلقی ایران بعنوان نیروی مادی يك قهر ضد انقلابی بر علیه خلقها، بنا به عمده ترین تکیه گاه سلطه امپریالیستی در مبین ما تلقی نشود و صرفاً "چوب زیر بغل" سپاه پاسداران محسوب گردد و سپاه نیز نه يك ارگان سرکوبگر امپریالیستی که در شرایط خاصی و بنا به مصالح حفظ سلطه امپریالیسم و در مقابله با جنبش انقلابی خلقهای ما سازمان یافته بلکه نیرویی مستقل در خدمت "ولایت فقیه" و در نقطه مقابل "ارتش مدرن بورژوازی" اعلام شود، به راحتی می توان به معجزات دستگاه تحلیلی راه کارگر پی برد و دید که منطق "بنا پارتنری" راه کارگری چه ها که نمی کند و از "ویژگی ایدئولوژیک" حکومت منتهی فقا چه معجزه ها که سر نمی زند؟!!

مثلاً راه کارگر که دیگر در بررسی پدیده های مختلف اجتماعی حتی به یاد توضیح دلائل اقتصاد و سیاسی آنها نمی افتد و همه چیز را از زاویه ایدئولوژیک بررسی می کند، چندی پیش کشف کرده بود که به اعتبار ویژگی ایدئولوژیک رژیم جمهوری اسلامی "نمایش المیک زنان در تلویزیون" اعلان

جنگ به جمهوری اسلامی است در حالیکه تشکیل اتحادیه های کارگری این خاصیت را ندارد و بهمین اعتبار نیز از کارگران می خواهند که جهت قبولاندن اتحادیه های کارگری به رژیم که آنرا بسیار محتمل تلقی می کند (۵) آنرا تحت فشار قرار دهند. و اگر واقعیات شرایط ناشی از حاکمیت جمهوری اسلامی هر روز و هر ساعت عکس نظر راه کارگر را بیان می کند آنها که به حد کافی در رشته دیالکتیک توجیه خیره اند "نص صریح اسلام" را پیش می کشند که در آن صراحتی در رد اتحادیه های کارگری در ایران وجود ندارد ولی هیئات که بر خلاف تصور راه کارگرها راهنمای عمل آخوندهای جمهوری اسلامی نه "نص صریح اسلام" بلکه الزامات سیستم سرمایه داری وابسته ایران و نص صریح دستورات و توصیه های امپریالیستهاست. والا نکته سنجی راه کارگر بواقع که باید مورد تقدیر قرار می گرفت! در هر صورت وقتی برای سازمانی آنهم پس از اینکه به يك سازمان "حقیقتاً مارکسیسم لنینیسم" تبدیل شده و سرنوشتش با "سرنوشت پرولتاریا" گره خورده همه چیز از زاویه ایدئولوژیک مورد توجه قرار نارد پس عجیب نیست که سپاه پاسداران را نیز نیروی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و "ارتش مدرن بورژوازی" ایران را "چوب زیر بغل" آن اعلام نماید. برآستی چه می توان گفت به سازمانی که ۱۰ سال پس از حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی با لخره هم نفهمیده است که این حاکمیت انعکاس کدام قدرت اقتصاد و در خدمت کدام طبقه قرار نارد و چه طبقه ای را نمایندگی می کند.

از نظر راه کارگر جمهوری اسلامی در حین اینکه رژیمی منتهی است "نیروی حاکم بر يك دولت بورژوازی" هم هست که "در چهارچوب وظایف عمومی چنین دولتی عمل می کند" بنا براین باید پرسید با وجود "دستگاه قهر" بورژوازی ایران "فعلاً" کاری به صفت این بورژوازی نداریم) که در دهه های اخیر سازمان یافته و به يك "ارتش مدرن بورژوازی" تبدیل گشته و در حالیکه در واقعیت امر نیز این ارگان بورژوازی از همان آغاز با رژیم جمهوری اسلامی بیعت کرد و در همه جا به حمایت و دفاع از وی پرداخت و امروز کماکان در خدمت پیعبرد اهداف ضد خلقی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی حاضر



• وقتی از نظر راه کارگر مبارزه کارگران برای تشکیل اتحادیه های کارگری اعلان جنگ به رژیم نیست پس وی پذیرش این خواست را از طرف رژیم کاملاً محتمل می نماند.

امروز با خمینی است، در حالیکه بهمان اندازه که دیروز بنا به مصالح امپریالیزم از رژیم شاه حمایت می‌کرد و چماق سرکوب این رژیم محسوب می‌شد امروز نیز به حمایت بی‌شائبه از جمهوری اسلامی می‌پردازد و وسیله عمده سرکوب جمهوری اسلامی نیز بر علیه کارگران و توده‌های ستمدیده ما همین ارتش است، پس مزیت سپاه پاسداران نسبت به ارتش برای جمهوری اسلامی در چیست؟ حتماً به این دلیل که نیروهای سپاه "بر پایه اعمال مکتب، شهادت" و "ناوطلبانه" برای خدمت در این ارگان بسیج می‌گردند؟ ولی اگر راه کارگرها سرشان را اندکی از توی کتابها بیرون آورده و به واقعیات نظری بیا فکند خواهند دید که برخلاف تبلیغات رژیم که راه کارگر با ساده لوحی ظاهری آنها را می‌پذیرد، نیروهای سپاه پاسداران آنقدرها هم "ناوطلبانه" بسیج نمی‌شوند بلکه تورهایی شکار انسان جمهوری اسلامی در همه جا گسترده شده و رژیم برای تأمین نیروی این ارگان سرکوب خویش به هر وسیله‌ای متوسل می‌شود و اگر راه کارگر نمی‌داند واقعیت این است که نرسدی از نیروهایی که بر اساس قانون نظام وظیفه اجباراً به سربازی فراخوانده می‌شوند، با اجبار باید خدمت سربازی خود را در سپاه پاسداران طی کنند و کسی چه می‌شود کرده، راه کارگر عزم جزم کرده است که چندان خود را بر روی این واقعیات بیندند و در قبول تبلیغات رژیم در این زمینه خود را به "سادگی" بزنند، آخر جز با تحریف واقعیت، راه کارگر چگونه می‌تواند وجود ارتش و سپاه پاسداران را بمثابه دو ارگان با دو نظام اعتقادی و تکیه گاههای مختلف جلوه دهد و در رابطه با "نوگانی ساختاری نیروهای مسلح رژیم" ولایت فقیه "تئوری بافی کند."

در هر حال در دستگاه تحلیلی این جریان سیاسی که همانا نظر که گفتیم بیشتر به یک دستگاه "مخلوط کنی" شبیه است جز آن دلایل مستبنا د فوق الذکر هیچ دلیل دیگری حاکمی از نوگانی ساختاری نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی نمی‌توان پیدا نموده نظام اعتقادی ارتش چیست؟ و چه تفاوتی با نظام اعتقادی سپاه پاسداران دارد؟ اگر راه کارگر ظاهراً تکیه گاه ارتش را بورژوازی (!؟) می‌داند از نظری سپاه پاسداران به کدام طبقه اجتماعی تکیه دارد؟ و کدام مصالح طبقاتی "ارتش مدرن بورژوازی" را بر آن می‌دارد که به "جوب زیر بغل" ارگان نظامی این طبقه مجهول الهویه

به مبارت به هر اقدام جنایتکارانه‌ای است و رژیم ۸ سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق را عمدتاً با آن سازمان داده و پیش برده است پس دیگر چه نیازی وجود دارد که سپاه پاسداران "این دستگاه جدید" "مختمات و توانائیهای يك ارتش مدرن امروزی را کسب کند" و چه احتیاجی به يك "ارتش مدرن بورژوازی" دیگر وجود دارد؟ مگر ارتش قبلی در جهت اهداف جمهوری اسلامی گام بر نداشت؟ شاید راه کارگر دلائلی در دست ندارد که این ارتش در راه پیشبرد سیاستهای جمهوری اسلامی کارشکنی می‌نماید و در خدمت این رژیم قرار ندارد؟ اگر اینطور است چرا این دلائل را در اختیار جنبش انقلابی قرار نمی‌دهد؟! و اگر اینطور نیست اساساً به چه دلیل راه کارگر برای ارتش در مقابل سپاه پاسداران تقف ثانی قائل شده و اهمیت آنها در حد "جوب زیر بغل" سپاه تقلیل می‌دهد؟

راه کارگر در توضیح هر دلیلی در این زمینه اساساً روی "ویژگیهای ایدئولوژیک" جمهوری اسلامی تکیه می‌کند و از نظری جمهوری اسلامی يك رژیم منهدی است و لذا بر اساس منطق راه کارگر باید "به يك دستگاه ایدئولوژیک - نظامی متکی باشد" ولی مگر ارتش ایران از همان روز اول بوسیله "فقیه" بزرگ، اسلامی اعلام نمود؟ مگر جمهوری اسلامی با ایجاد "دوایر سیاسی - ایدئولوژیک" هر روز در رگهای آن ایدئولوژی "اسلامی" تزریق نکرده و نمی‌کند؟ و اگر بخواهیم با روش راه کارگر پیش برویم باید بگوئیم که سران ارتش اتفاقاً امروز ریشها کرده‌هایی هستند که خود را مسلمان و مقلد "ولایت فقیه" معرفی می‌کنند و آنچنان سخت نسبت به جمهوری اسلامی با همه آن "ویژگی ایدئولوژیک" اش تعصب نشان می‌دهند که دیروز نسبت به رژیم شاهنشاهی و البته با توجه به "ویژگی ایدئولوژیک" آن رژیم نشان می‌دادند. و اگر ادعا کنید این مسلمانان و آن ریشها شده نمودار ظاهر امور است و این ارتش قلباً با جمهوری اسلامی در رژیم "فقیه" نیست، ما می‌گوئیم که این ارتش آن زمان هم که صافی پوست صورتش با کشیدن کاغذ به آن سنجیده می‌شد و خود را "جان نثار" شاهنشاه "آریامهر" معرفی می‌نمود با آن رژیم نبود و این واقعیت را نیز در درجه دفاع خود از رژیم شاه و عدم "جان نثاری" اش نسبت به "بزرگان ارتش داران" آشکار ساخت. واقعیت این است که افسار این ارتش در دست امپریالیستهاست و بواقع این ارتش نه دیروز با شاه بود نه



امیرالیسم را مورد تعرض قرار ناده اند و به هر مبارزهای برعلیه سیستم سرمایه داری وابسته برخاسته اند خود را بسایه پاساران مواجه دیده اند که با ارتکاب به وحشیانه ترین اعمال و با قساوت شایسته سگان زنجیری امیرالیسم به حفظ و حراست از منافع بورژوازی وابسته و سلطه امیرالیستی حاکم شتافته است و اتفاقاً واقعیت چنین عملکردهای ارتجاعی هم از جانب "ارتش مدون بورژوازی" و هم از جانب سپاه پاساران و اهداف و مقاصد معین و مشترکی که این دو ارگان عهده دار پیشبرد آنها می باشند باعث آن گردیده که برغم هر "تضاد" و "اختلاف" و یا بزعم راه کارگر اختلاف "اعتقادی" این دو تشکیلات ماهیتاً یکسانه در پیوند با هم قرار داشته و بعنوان ابزارهای سرکوب امیرالیسم و سگان زنجیری برعلیه خلقها بکار رونده البته از آنجا که مصالح سلطه امیرالیستی و دیکتاتوری ناتی آن در سالهای اخیر حکم کرده است که حداقل امکان چهره جنایت بار ارتش بعنوان کلیدی ترین ارگان سرکوب امیرالیستی پوینده مانده و در مواجهه با جنبش توده ها نقش آن کم رنگ تر جلوه کند تا امیرالیستها بتوانند برای نسیسه های آینده شان با قدرت مانور هر چه بیشتری آنها مورد استفاده قرار بدهند؛ تا آنجا که مقدور بوده سپاه پاساران برای سرکوب توده ها مورد استفاده قرار گرفته که در ابتدا نیز به دلیل اینکه بعنوان زائیده انقلاب جلوه گر می شد بواقع از کارآئی بیشتری در امر سرکوب توده ها و پیشبرد اهداف امیرالیستی برخوردار بود.

درآید؟ اگر قرار بود راه کارگر از چارچوب خیال پرورانه های و ثنوری با فیهای خویش دست بردارد می توانست با رجوع به واقعیت ببیند که سپاه پاساران در چه شرایطی و بنا به چه الزاماتی تشکیل شد و چگونه امیرالیسم پس از آنکه به انواع و اقسام نسیسه ها جهت مقابله با خواست توده ها مبنی بر انحلال ارتش متوسل گردید و پس از آنکه کوشید بر مقابل شعار توده ها یعنی "ارتش خلقی بیا می کنیم" مهن خونخوارها می کنیم" شعار ارتجاعی و ریاکارانه "ارتش برادرماست" را قرار دهد باز هم موفق به حفظ رژیم شاه نگردید. و بهمین دلیل هم با توجه به جنبش وسیع توده ها ملزم به تغییر آرایش سیاسی نیروهای خود در ایران شده و مجبور گردید برای سرکوب جنبشی به عظمت جنبش مردم ایران در آن سالها به وسائل جدیدتری متوسل شود.

تقابل امیرالیسم با جنبش انقلابی نیازمند سرکوب سیستماتیک و وسیعی بود و در همان حال بنا به سیاست نواستعماری جدید امیرالیسم، انقلاب می بایست بنام انقلاب مورد پورش قرار گرفته و سرکوب شود. لذا پس از شکست قیام بهمین امیرالیسم بنام انقلاب ارگانهای فدائیانقلابی ای همچون سپاه پاساران و کمیته های انقلاب اسلامی و... را بمنابسه ارگانهایی که از دل انقلاب بیرون آمده اند سازمان داده و بنا ساخت و پرداخت آنها به کمک ارتش و برعلیه خلقهای مبارک گرفت.

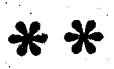
در روند چندین ساله تحولات و رویدادهای بعد از قیام بهمین هر کجا خلقهای ما و در رأس آنها کارگران، منافع

ادامه دارد

رفقای هوادار:
اخبار و گزارشات محل کار و زندگی خود را جمع آوری نموده و به آدرسهای سازمان در خارج از کشور ارسال کنید.

اسارت خلقهای ماحک گردیده است. و خلقهای ما و در رأس آنها پرولتاریسای قهرمانان با تشدید مبارزه خود در جهت نابودی نظام سرمایه داری وابسته و سرنگونی جمهوری اسلامی باید شرایط بازسازی حقیقی کشور در جمهوری دمکراتیک خلق را فراهم سازند.

جمهوری اسلامی و... از صفحه ۷
در نزد جمهوری اسلامی نه نوسازی خانه و کاشانه مردم و روستاها و شهرهای ویران شده بلکه بازسازی نظام سرمایه داری وابسته و رژیم ورشکسته ای است که به حفاظت از این نظام گماشته شده است. امری که جز با غارت و چپاول توده ها و تشدید وابستگی به بیگانگان و در نتیجه سرکوب خونین انقلاب امکان پذیر نیست. نمی باشد در نتیجه بیسرق بازسازی بیبرقی است که در آن تمامی شرایط سرکوب و





بر علیه موج گسترده دستگیریها و اعدامهای اخیر

پیاخیزید!

خلفهای قهرمان ایران!

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در وحشت از جنبش انقلابی خلقهای ما، ۴ ماه است که من اینکده بسته بسته کمونیستها و مبارزین در بند را به جوخه‌های مرگ می سپارده با حدت و خدت تمام بد تعقیب و دستگیری انقلابیون و مخالفین سیاسی خود پرداخته و اکثر کسانی را که از سال ۶۰ به بعد به نحوی از انحاء دارای سابقه سیاسی بوده‌اند را دوباره یا برای بازجوئی فراخوانده و یا دستگیر و زیر شکنجه‌های وحشیانه برده است.

موج جدید دستگیریها حتی کسانی را در بر می‌گیرد که از سالها پیش مبارزه سیاسی را کنار گذاشته و یا خود را تسلیم رژیم نموده بودند بخصوص در کردستان تعداد زیادی از تسلیمی‌ها دستگیر و عده‌ای از آنها بویژه در شهرهای سنندج، سقز و مهاباد اعدام گردیده‌اند.

خلفهای مبارز! نیروهای انقلابی!

دستگیریهای وسیع و اعدامهای وحشیانه چند هزار کمونیست و مبارز زندانی در حالی که بیانگسار فساد و وحشیگری کم نظیر است که تنها از سگان زنجیری امپریالیسم همچون سردمداران جمهوری اسلامی ساخته است در همان حال قدرت انقلاب و گستردگی مقاومت خلقهای ما را نیز منعکس می‌سازد و انقلابی که تا پوزه سگان زنجیری امپریالیسم را بخاک نمالیده و آنها را برای همیشه به زیبالدان تاریخ سیخ نیا ندارد همچنان به پیش خواهد رفت.

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با دستگیری و شکنجه مبارزین و اعدامهای دسته جمعی و به دار آویختن انقلابیون در معابر عمومی می‌کوشد فضای رعب و وحشت را در جامعه برقرار ساخته و با قدر قدرت نشان دادن خود مقاومت خلقهای ما را در هم شکند و تا نظام سرا پا غرقه در بحران سرمایه‌داری وابسته را از سرنوشت محتوم نجات داده و سلطه منحوس خود را چند صباحی دیگر حفظ نماید. اما واقعیت این است که اعدام زندانیانی که از سال ۶۰ تا کنون در سیاهچالهای جمهوری اسلامی در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها ایستادگی کرده و دوران محکومیت خود را به‌گذرانند و یا زندانیانی که مدت محکومیتشان پایان یافته ولی نزدیمان رژیم از آزادی آنها خودداری می‌نمودند، نه تنها بیانگر قدرت این رژیم نمی‌باشد، بلکه برعکس نشانه آشکاری از ضعف و زبونی او در مقابل اراده انقلابی خلق رزمنده‌ای است که تسلیم‌ناپذیر در هر شرایطی به مبارزه خود ادامه می‌دهد و همین واقعیت ددمنشی جمهوری اسلامی و استیصال اوست که با برجستگی هر چه بیشتری ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی را در مقابل انقلابیون قرار داده و بار دیگر این حقیقت را مورد تاکید قرار می‌دهد که با این رژیم جز بازیان گلوله نمی‌توان سخن گفت.

رفقای هوادار!

بر علیه کشتار زندانیان سیاسی و در جهت سرنگونی این رژیم مزدور صغوف خود را فشرده تر ساخته و مبارزه انقلابی خود را گسترش بخشید. شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را در سطح هر چه وسیعتری به میان توده‌ها برده و بکوشید با سازماندهی اعتراضات و مقاومت‌های آنها بر علیه اعدامهای دسته‌جمعی به یاری انقلابیون در بند بشتابید. وظیفه شماست که مبارزات و اعتراضات خانواده زندانیان سیاسی

و شهدای انقلاب را در جهت نابودی نظام جابرانه موجوده سازمان داده و صدای اعتراض آنها را هر چه رسا تر در سطح جامعه طنین اندازید. بکوشید تعداد و مشخصات زندانیان اعدام شده را جمع آوری نموده و وسیعاً منعکس سازید.

رفقای هوادار در خارج از کشور نیز باید بر علیه کشتارهای اخیر مبارزات خود را گسترش داده و صدای اعتراض زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها را به گوش جهانیان برسانند و تا آنجا که مقدور است در اتحاد عمل با نیروهای انقلابی مبارزه بر علیه اعدامهای دسته جمعی و دستگیریهای وسیع را وسعت بخشند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی همچنان که در این ۱۰ سال علی‌رغم اعمال ددمنشانه‌اش نتوانسته انقلاب خلقهای ما را نابود سازد، بدون شك با توسل به حمام خونی که اخیراً برآه انداخته است نیز نخواهد توانست فضای رعب و وحشت را در جامعه ما حاکم ساخته و مانع بزرگی بر سر راه انقلاب شکوهمند خلقهای ما بوجود آورد، چرا که این کشتارهای وحشیانه تنها باعث رشد نفرت و انزجار توده‌ها و بسارور شدن کینه‌هایی جدید و آرزوی بیکاری مصمانه‌تر نیز در میان توده‌ها خواهد گردید. کینه مقدسی که انقلاب ما را شعله‌ورتر خواهد ساخت و این انقلاب که بر پرچم خود قطع سلطه امپریالیسم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق را حاکم نموده ثابت کرده است که برای رسیدن به این هدف از دادن قربانیان نهراسیده و نمی‌هراسد.

جاودان باد خاطره تمام شهدایی که قهرمانانه تا پای مرگ با دشمن جنگیدند

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

آبان ۶۷

اخباری از ...

از صفحه ۲۷

دست به يك حرکت اعتراضی زدند. آوارگان معترض که عمدتاً بلوچ بودند همچنین همدردی خویش را با خانواده و آشنایان ۲ آواره ایرانی که روز ۲۰ سپتامبر برابر با ۵ مهرماه در نوار مرزی هند و پاکستان توسط پلیس مرزی هند به گلوله بسته شده و جان خود را از دست داده بودند اعلام کرده و انزجار خود را از رژیم جمهوری اسلامی بمثابه عامل اصلی آوارگی و همچنین بی مسئولیتی دفتر پناهندگی سازمان ملل اعلام داشتند. در جریان این حرکت اعتراضی یکی از اعضای کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ به تشریح موقعیت پناهندگان بلوچ و اعمال فشارهای غیر انسانی دفتر سازمان ملل به آنان پرداخت و در پایان قطعنامه‌ای صادر گردید. در خلال آکسیون شمارهای مختلفی از جمله شمارهای بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از سوی معترضین داده شد. لازم به تذکر است که بنا بر آخرین اطلاع، کارت پناهندگی بیش از ۲۵۰ تن از پناهندگان بلوچ به بهانه‌های واهی توسط مسئولین دفتر سازمان ملل قطع گردیده که به موجب آن، هم میهنان بلوچ از هرگونه حقوق پناهندگی از جمله مهاجرت و امکانات درمانی محروم شده‌اند.

که عامل اصلی تمام آوارگیها و دربدریهای مردم ستمدیده ایرانست و از سوی دیگر بیا نگر شرایط وخیم و اسفباری است که آوارگان ایرانی مقیم پاکستان در آن بسر میبرند. دفتر پناهندگی سازمان ملل (UN) مستقر در پاکستان با سرپیچی آشکار از قوانین و مصوبات کنوانسیون ژنو و نادیده انگاشتن حقوق آوارگان و اعمال زور و فشارهای غیر انسانی بر آنان نمی‌تواند مسئولیت خویش را در وقوع چنین فجایعی لایوشانی نماید. مادامیکه مسئولین دفتر پناهندگی سازمان ملل به سیاست خویش در قبال آوارگان که همانا اعمال زور و فشار و عدم پذیرش و قطع کارت پناهندگی میباشد ادامه دهند فجایعی از این دست تکرار خواهد شد.

روز چهارشنبه ۱۹ اکتبر سال جاری مصاف با ۲۷ مهرماه آوارگان و پناهندگان ایرانی مقیم کراچی - پاکستان در اعتراض به سیاست دفتر پناهندگی سازمان ملل (UN) در رابطه با قطع کارت بلوچها و انواع خود سرپها و تضییقات مسئولین (UN) در مقابل دفتر این سازمان در شهر کراچی

باج و خراج در دادگاه لاهه، جلوه‌های از مبارزه جمهوری اسلامی با آمریکا

از صفحه ۳۰

میتوان در آن دنبال نمود و بروشنی مورد سخن قرار داد که اتفاقاً بیانگر اوج فریبکاری این رژیم میباشد همانا با اصطلاح تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام و نتایج حاصله از آن میباشد.

در جریان این حرکت فریبکارانه جمهوری اسلامی با گروهان گرفتن اعضای سفارت آمریکا به مدت ۴۴ روز نسبت به توهم پراکنی وسیعی زده و کوشید خود را ضدامیرالیستی جا بزند و بواقع ایمن حرکت برکت بزرگی بود که پیشبرد سیاست محیلانه امیرالیستی مبنی بر گماشتن سک زنجیری جدیدی به جای شاه تحت عنوان یک رژیم "ندا میرالیست" و "مردمی" را هرچه بیشتر امکانپذیر ساخت.

در عین حال شعبده بازی تسخیر سفارت آمریکا توسط ایادی رژیم جمهوری اسلامی بهترین زمینه را بلست هیئت خاکمسه آمریکا داد تا با بسیج افکار عمومی بخصوص در کشور خود تجاوزات هرچه گسترده تری را بر علیه خلقهای جهان سازمان دهد. چرا که پس از شکست دولت آمریکا در ویتنام افکار عمومی بمثابه سدی در مقابل چنان اعمالی عمل مینمود.

در هر حال این موارد تنها نمونه هائیی از آنها مورد استفاده امیرالیستهای آمریکائی از مسئله تسخیر سفارت آمریکا توسط رژیم جمهوری اسلامی میباشد. یکی دیگر از موارد استفاده امیرالیستها از

مسئله فوق به پس از خاتمه آن شعبده بازی بر میگردد. دولت آمریکا در پاسخبه اقدام فریبکارانه تسخیر سفارت دارائی های ایران در آمریکا که بین ۸ تا ۱۲ میلیارد دلار ارزیابی میگردد مسدود نمود و بالاخره ماجرای گروگانگیری که در ابتدا با "سکوه" بسیار جشن گرفته شده بود سرانجام با خفت و خواری با انعقاد قرارداد خائنانه ای در الجزایر پایان رسید.

بر اساس این قرارداد جمهوری اسلامی علیرغم همه ادعاهای ضدامیرالیستیش آنچنان امتیازهای بزرگی در اختیار طبقه حاکمه در آمریکا قرار داد که از کمتر رژیم مزدوری ساخته است جمهوری اسلامی مطابق قرارداد الجزایر ضمن آزادی گروگانها ارجاع شکایات شرکتهای امیرالیستی که در جریان قیام خلق سرمایه خود را برداشته و فرار کرده بودند و حال ادعای خسارت مینمودند را به دادگاه لاهه پذیرفت و دارائیهای مسدود شده ایران در آمریکا نیز پشتوانه این امر قرار گرفت.

این شرکتهای امیرالیستی همانهایی بودند که سالها بدلیل استثمار روحپسانه دسترنج کارگران و غارت خلقهای ستمدیده ما آماج حملات مبارزات ضدامیرالیستی تودهها قرار داشتند و بالاخره هنگامیکه فوران خشم و نفرت تودههای مبارز ما که به قیام بهمن ۵۷ انجامید، جزیره "تبات و آرامش" مورد نیاز آنان را بر

هم زد مجبور شدند که بخا سرمایههای خود را از کشور خارج سازند، در عین حال تحت شرایط حاکم و ناشی از مبارزات ضد امیرالیستی تودهها بخش از قراردادهای غارتگرانه این شرکتهای با رژیم مزدور شاه عملاً ملغی گردید و یا به حالت تعلیق درآمد.

بنابراین اگر رژیم فریبکار جمهوری اسلامی بدلیل شرایط مبارزه در ایران چهره خود را در ورای شعارهای با اصطلاح ضدامیرالیستی و ضد سرمایه داری پنهان میساخت، در عمل با پذیرش ادعای خسارت شرکتهای امیرالیستی مذکور و سپردن تعهد جهت برطرف کردن ضررهائی که آنان در جریان انقلاب ایران متحمل شده بودند، ماهیت تبلیغات فریبکارانه خویش را برملا نمود و با پایمال کردن اهداف انقلاب در شکلی هرچه واضح تر ماهیت سرسپردگی خویش را به امیرالیستها آشکار ساخت. جمهوری اسلامی که بنام انقلاب به سرکوب انقلاب برخاسته بود در جهت پاسخگویی به خواست سرمایه دارانی که سالها با مکیدن خون خلقهای ما زندگی انگلی خود را ادامه داده اند، به دادگاه لاهه، لبیک گفت.

حال بهتر است به آنچه در ایمن سالها در دادگاه لاهه گفته است نگاهیم بهاندازیم و ببینیم دادگاهی که زمانی دکتر مصدق آنرا به صدور حکم ملی شدن صنعت نفت و معکومیت شرکت

این نمونه نیز بنوبه خود بروشنی نشان میدهد که "میش" بیچاره ما - یعنی دولت جمهوری اسلامی - آنچنان در تامین منافع اربابان شرخوشر رقصی کرده و میکند که هر سرمایه دار ز الوصفتی بهر نحوی میکوشد از خوان یغمای جمهوری اسلامی بهره‌ای بجوید و از این نمد کلاهی برای خویش دست و پا کند.

اگر جمهوری اسلامی اختیار اینگونه حاتم بخشیهایی غارتگرانه اش را از توده‌ها پنهان میدارد و با با توجیهاتی احقانه به لایوثنانی حقایق میبردازد، خلقهای ستمدیده ایران باید بدانند که ریشه همه این اعمال ننگین در ماهیت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نهفته است و این رژیم علی‌رغم همه فریادهای ضدامپریالیستی و ضدامریکائیتی، نوکر حلقه به گوش امپریالیستها بسوده و عملکردهای او با مکانیسم‌های مختلف تماما در خدمت تامین منافع آن غارتگران قرار دارد که عملکرد وی در دادگساره لاهه تنها یکی از آنها بشمار میرود.

در رابطه با خوش خدمتی جمهوری اسلامی به این یا آن جناح امپریالیستی لازم است به این مسئله هم اشاره کنیم که در زمانیکه گروگانهای امریکائی در اختیار جمهوری اسلامی قرار داشتند با توجه به تأثیری که آزادی این گروگانها در افکار عمومی مردم امریکا بجای میگذاشت، کارتر رئیس جمهور وقت امریکا به دلایل انتخاباتی و جهت بهروزی بر ریگان حاضر شده بود که ۸ میلیارد دلار از دارائیهای ایران را در مقابل آزادی سریعتر

شام در همه جا طنین انداز است. در دادگاه بین المللی لاهه با ست و دل بازی تمام دارائیهای توده‌ها را که حاصل عرق جبین کارگران و زحمتکشان ما بوده و با از راه حراج نفت و سایر منابع طبیعی بدست آمده بی محابا به شرکتهای امپریالیستی امریکائی پیشکش می‌کند تا مبادا موجب رنجش اربابان خود گردد. بواقع آنچه در دادگاه لاهه بوقوع پیوسته و در آن از تعداد ۳۳۸ پرونده بیش از ۲۵۰۰۰۰ دلاری، ۶۸۷ مورد بفتح شرکتهای امریکائی رای صادر گشته، مبین این حقیقت است که جمهوری اسلامی علی‌رغم تبلیغات و جار و جنجال‌های فریبکارانه اش، در عمل و در سر میز مجالس تصمیم گیری تابع بی قید و شرط تصمیمات امپریالیستها میباشد و در این راه از بخش میلیاردها دلار از دارائیهای کشور نیز بسوده امپریالیستها ابائی ندارد. برایین مبنا جالب است بدانیم که نهال پس از حاکمیت جمهوری اسلامی و سالها پس از کار دادگاه لاهه در مورد بررسی شکایات شرکتهای امپریالیستی بر علیه ایران هنوز هم گزارشاتی مبنی بر شکایات جدید از آن نسته از طرف شرکتهای ز الوصفت مذکور در روزنامه‌ها منعکس میگردد. برای نمونه روزنامه واشنگتن تایمز گزارش میدهد که یک شرکت امریکائی بنام "استانویک کورپوریشن" شکایتهای علیه رژیم مزدور جمهوری اسلامی به دادگاه بین المللی لاهه تسلیم کرده و تقاضای ۸۵۰۰۰۰ دلار غرامت نموده و مدعی گردیده است که بر اثر سقوط رژیم گذشته ایران، متحمل آن مبلغ خسارت شده است.

نفت انگلیس و دولت انگلستان و ادار کرده بود، در این سالها در رابطه با جمهوری اسلامی چگونه عمل کرده است. بنابه گزارش نشریه واشنگتن تایمز تا کنون ۳۸۵۰ پرونده در رابطه با تعاونی شرکتهای مختلف امپریالیستی از جمهوری اسلامی به دادگاه لاهه واگذار شده که تا کنون بیش از ۱۰۰۰ مورد از این شکایتها مورد رسیدگی قرار گرفته و بقیه پرونده‌ها نیز در دست بررسی است.

بر اساس این گزارش از ۳۳۸ پرونده‌ای که برای تعاونی بیش از ۲۵۰۰۰۰ دلاری مورد رسیدگی قرار گرفته و حکم قطعی آن صادر شده در ۲۸۷ مورد این دادگاه به سود شرکتهای امریکائی رای داده و جمهوری را ملزم به پرداخت ۱/۱ میلیارد دلار خسارت به شرکتهای امریکائی نموده است. امری که مورد توافق و تأیید جمهوری اسلامی نیز بوده و باعث آن شده است که مقامات وزارت امور خارجه امریکا از کار دادگاه لاهه رضایت کامل خود را ابراز دارند. حال اگر بعنوان مزاح هم که شده روی حرف خمینی مزدور مبنی بر اینکه رابطه دولت ایران با امریکا، رابطه میش و گرگ است تاکید کنیم، باید تصور کرد که این "میش" بیچاره باید به چه ذلت و خفتی تن داده باشد که آنچنان موجبات رضایت گرگ فراهم شده است.

بلی رژیم ضد خلقی ای که فریادهای کر کننده اش بر علیه باصطلاح استکبار جهانی و در اس آن بقول خونشان شیطان بزرگ یعنی امریکای جنایتکار از بام تا

پیشی بسوی تشکیل ارتش خلق

که عمدتاً سرمایه های امریکائی در آنها غالب است، طرق و کانالهایی جهت تأمین منافع امپریالیستهای امریکائیتی بوده اند. جمهوری اسلامی هنوز هم شعارهای ضد امریکائی سر میدهد و لسی امروز دیگر با افشای بسیاری از ارتباطات پنهان این رژیم با امپریالیستها در جریان زندگی نهال اخیر رژیم، آن شعارها بقدری بی اعتبار گشته اند که فقط موجب تمسخر هر چه بیشتری در نزد همگان است و بالاخره با توجه به عواملی چند از جمله عامل مزبور، اکنون کوششهای جناحهایی از رژیم بر آنست تا با علنی کردن ارتباطات مخفی جمهوری اسلامی با دولت امریکا به شعبده بازیهای پیشین خاتمه ناده شده و رابطه رسمی بین جمهوری اسلامی و دولت امریکا برقرار گردد.

شود که اگر شرایط مبارزه طبقاتی در ایران و اقتضای سیاست امپریالیسم در منطقه، جمهوری اسلامی را ملزم به سردادن شعارهای ضد امریکائی نمود و باعث شد یکسری از قراردادهای شاه مزدور با امپریالیستها ملغی شده و بعضی از شرکتهای امریکائی برای دریافت خسارت به دادگاه لاهه روی بیاورند، اما در این سالها سرمایه های امپریالیستی و بویژه سرمایه های امریکائی منافع غارتگرانه خویش را به طرق و کانالهای دیگری تأمین کرده اند. مثلاً همانطوریکه میدانیم جنگ ایران و عراق وسیعترین امکان را برای سوذجوئیهای امپریالیستی فراهم آورد. در عین حال عملکرد شرکتهای آلمانی و ژاپنی در ایران که با سرمایه مشترک امریکائی کار میکنند و عملکرد شرکتهای و موسسات کشورهای نظیر ترکیه، کره جنوبی و غیره در ایران

گروگانها از انسداد خارج سازده اناجمهوری اسلامی که خواهان بهروزی جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری امریکا بود با به تاخیر انداختن آزادی گروگانها بنفع ریگان عمل نمود و بواقع ۸ میلیارد دلار را صرف بهروزی ریگان در انتخابات ریاست جمهوری امریکا کرد تا بعداً با گدائی و التماس در دادگاه آن مبلغ را مطالبه کند و جالب آنکه اخیراً ریگان قبل از ترك کاخ سفید یکسال دیگر انسداد دارائیهای ایران را تمدید نمود.

در حال سرسپردگی جمهوری اسلامی به امپریالیستها آنچنان وسیع و گسترده است که در هر حوزه ای مورد بررسی قرار گیرد، جز باعث تعجب و حیرت نخواهد شد.

در پایان باید این موضوع تصریح

تحت نام بازسازی و یا هر عنوان دیگر مبارزات برحق تودهها را از بین ببرند. و بیگمان مبارزات تودهها روزی رژیم ننگین جمهوری اسلامی را از حکومت سرنگون و نستان اربابان امپریالیستی را برای همیشه از ایران کوتاه خواهد نمود و روزی فرا خواهد رسید که زحمتکشان خود حاکم بر سرنوشت خود گردند. آرزوی دیر نیست. به امید آن روز.



برای اعمال فشار جهت اخاذی از مردم و خفه کردن هرگونه صدای اعتراضی نسبت به تضیقات گوناگون یا آنطور که خامنه‌ای می‌گوید "کمبودها و مشکلات" هر چه بیشتر بی برد. ولی "نعمت بازسازی" برای سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به همین ختم نمی‌شود. رژیم بشیوه همیشگی خود کوشش خواهد نمود او این امر نیز در جهت سرکوب مبارزات تودهها استفاده نماید. ولی تجربه مبارزات دلاوران خلیقهای قهرمان ما ثابت نمود که سردمداران مزدور رژیم همچنان در این مدت از حکومت ننگین خود نتوانستند مبارزات برحق خلیقهای ما را نابود نمایند و هرچقدر زور سرنیزه را بیشتر نمودند اعتراضات و مقاومت تودهها بیشتر گسترش یافت فردا نیز قادر نخواهند بود

خوابهای جنگ...

از صفحه ۲۶

سرکوب هرچه بیشتر زحمتکشان آماده می‌کنند. هنگامیکه خامنه‌ای مزدور مکرراً اعلام می‌کند که در دوران بازسازی مردم باید همچون گذشته بلکه بیشتر از آن همکاری داشته باشند و یا در مسافرتش به آنریا جان و کرستان می‌گوید: "بازسازی ویرانی به تلاش گسترده و همه جانبه نیاز دارد و تحمل ما در برابر کمبودها و مشکلات یکی از وظایف ما در دوران بازسازی می‌باشد." و سایر سردمداران مزدور رژیم نیز از خمینی جنایتکار گرفته تا موسوی‌ها و منتظری‌ها و رفسنجانی‌ها چنین جملاتی را نشخوار می‌کنند می‌توان به توطئه‌چینی آنان

سگهای زنجیری امپریالیزم

از صفحه ۳۰

عروسکهای بی در دست امپریالیزم نیستند که سیاست نواستعماری آنها را به افتضای شرایط در اشکال گوناگون به صحنه آورده است تا در یکجا با حقارت تمام در مقابل ازبایان خود زانو زده و پرچم امریکارا ببوسند، همچون رئیس جمهور السالوادور و در جای دیگر به فحاشی بر علیه ارباب برخاسته و پرچم او را به آتش بکشند، تا به این طریق به خود چهره ای ضد امپریالیستی بخشند همچون خمینی.

بدون شك هر کجا مبارزه توده ها ابعاد گسترده تری می یابد و توده ها سلطه امپریالیستی و سگهای زنجیری امپریالیسم را با شدت هر چه بیشتری آماج حملات خود قرار میدهند این سیاست نواستعماری در اشکال محیلانه تری به منته ظهور میرسد آنچه در ایران در جریان اوچگیری جنبش ضد امپریالیستی خلقهای میهن ما در سالهای ۵۷-۵۶ بوقوع پیوست هم به لحاظ چگونگی روی کار آمدن رژیم خمینی و هم از جنبه صحنه سازیهای فزاینده این رژیم پس از استقرار و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی به واقع یکی از محیلانه ترین سیاستهای نواستعماری بود که امپریالیستها بوسیله آن به مقابله با انقلاب عظیم خلقهای ما برخاسته و خمینی جنایتکار را بنام انقلاب برای سرکوب انقلاب براریکه قدرت نشان دادند.

اگر پرولتاریای آگاه ما که شاه را سگ زنجیری امپریالیزم می دانست و شعار استراتژیک او «سرگ بر امپریالیزم و سگهای زنجیریش» بوده از همان آغاز متوجه این دغاکاری امپریالیستی گشت و از زبان انقلابیون کمونیست که با تکیه به مارکسیسم-لنینیسم و تئوری انقلابی خود ماهیت قدرت دولتی جانشین رژیم شاه را همانند سلف خود وابسته به امپریالیسم می خواندند، به افشای این امر پرداخت. اما در هر حال سیاست نواستعماری امپریالیسم باعث فریب توده های زیادی گردید و از اینرو لازم بود تا آنها در جریان زندگی و مبارزه خود به صحت تحلیل این کمونیستها که جز چریکهای فدائی خلق نبودند دست یابند. و جریان زندگی نشان داد که چگونه سیه های نواستعماری بوسیله سردمداران جمهوری اسلامی اجرا میشود و چگونه شعبده بازی تسخیر سفارت امریکا با قرارداد ننگین الجزایر پایان می یابد و چگونه جمهوری

درکی واقعی از ماهیت قدرت دولتی در ایران را به اختصار بیان کرده و سگان زنجیری را با اربابان آنها اشتباه نگیند و خود را صرفا به مبارزه با این سگان مشغول نساخته و لبه تیز حمله و جهت استراتژیک مبارزه خود را بر علیه سلطه امپریالیستی سازمان دهند. و به همین دلیل در نزد ما شعار «مرگ بر امپریالیزم و سگهای زنجیریش» شعار استراتژیک تلقی میشود که دیگر شعارهای سازمان در رابطه با آن معنی و مفهوم واقعی خود را می یابند.

اما اپورتونیستهای رنگارنگ برای توجیه نظرات فرصت طلبانه خود از ماهیت قدرت دولتی در ایران با تحریف محتوای واقعی این شعار و این اصلاح در نزد ما به تخطئه تحلیل های ما پرداخته و به این وسیله می کوشند مقبولیتی برای تحلیل های فرصت طلبانه خود بوجود آورند. تحلیل هائی که عمدتا جمهوری اسلامی را رژیمی مستقل از امپریالیزم قلمداد کرده و بدین نحو زمینه سازشکاریهای مختلف در صحنه مبارزه را برای خویش آماده می سازند.

اعلان جنگ اپورتونیستها بر علیه تئوری انقلاب ایران یعنی تئوری مبارزه مسلحانه که تنها شکل انطباق خصلت مارکسیسم-لنینیسم در شرایط حاکمیت امپریالیزم و بورژوازی وابسته به آن در ایران میباشد در همان حال اعلان جنگی است به واقعیتهای مبارزه ایقاتی در عصر امپریالیزم.

امپریالیزم یعنی عالی ترین شکل تکامل سرمایه داری برای حفظ و بقا سلطه جابرا نه خود در تمامی کشورهای تحت سلطه در سطح جهان با برپائی حکومت های دست نشانده خویش، مزدورانی را بر سر کار گذاشته، که بسته به شرایط زمانی و مکانی و به اشکال و صور گوناگون وظیفه تامین منافع امپریالیزم را در کشورهای خود بعهده دارند. این برگماشتگان یا سگهای زنجیری به هر شکلی که خود را بزرگ نمایند جز

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم و تردید ناپذیر خلقهاست

و مقاصد ارتجاعی را که وی با ضد امپریالیست نمایان شدن خود در آن کشور تعقیب می کند را بر ملا ساخت. در شرایطی که این سگ زنجیری امپریالیسم برای فریب توده ها و انحراف مسیر مبارزه ضد امپریالیستی شان ادا و اطوار ضد امپریالیستی در آورده و شعارهای ضد امپریالیستی سر میداد و تجهیزات نظامی آمریکا را که وارد کانال پاناما شده بودند توقیف می نمود طبق اظهارات رئیس پیشین CIA مشهر شد که جناب ژنرال نوری ایگا شخصاً وابسته به سازمان جاسوسی آمریکا CIA بوده و بعنوان یک نظامی مزدور مستقیماً با این سازمان ارتباط داشته است.

رئیس پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا اعلام کرد که در سال ۱۹۷۷ مونسول نوری ایگا نظامی قدرتمند پاناما را از لیست حقوق بگیران CIA خارج کرده و سپس اضافه نمود ولی بعدها جورج بوش معاون ریاست جمهوری آمریکا مجدداً نام نوری ایگا را به این فهرست افزوده است.

این اعتراف آشکار از سوی رئیس پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا CIA که خود انعکاسی از تضادهای جناحهای مختلف امپریالیستی می باشد به نحو بارزی رابطه مزدوری حکام بر سر قدرت پاناما را با امپریالیستهای آمریکائی آشکار ساخته و نشان داد که "جناب ژنرال" نوری ایگا علیرغم همه ادا و اطوارهای دورغین و بهره گیری ضد امپریالیستی از سگ زنجیری حقیری در درگاه امپریالیسم نمی باشد و فقط مصالحه سلطه امپریالیستی او را به عربیده کشی های کذائی واداشته است.

ولی چه سوار شدن عیدی امین بر تخت روانی که انگلیسی ها آنرا حمل میکردند، چه توقیف تجهیزات نظامی آمریکائی در کانال پاناما توسط ژنرال نوری ایگا این مأمور مستقیم و چه تسخیر سفارت آمریکا در ایران توسط مزدوران رژیم خمینی و به آتش کشیدن برج آمریکا همه مبین یک امر و نشئت گرفته از یک واقعیت می باشد و آن سبب بازی نواستعماری امپریالیسم می باشد که بصور گوناگون و با انواع متمسک ها قصد دارد برای تسهیل سرکوب انقلاب ضد امپریالیستی خلفهای تحت سلطه نوکران خود را بزرگ کرده و ضد امپریالیست جلوه دهد.

اگر استعمار نوبعنوان شیوه مکارانه و محیلتعاستی امپریالیستی بر جوامع تحت سلطه که بر مبنای عدم انطباق و تخالف مآهري محتوی و شکل استوار است. با توجه به رشد و

اسلامی با سردادن شمارهای ضد امپریالیستی در عمل سیاستهای امپریالیسم را در ایران و منطقه پیش می برد و سرانجام با بوجود آمدن افتضاح ایران گیت بار دیگر با وضوح تمام معلوم گردید که درست در همان زمانی که عربیده های ضد امپریالیستی سردمداران جمهوری اسلامی گوش فلک را کر می نمود این مزدوران با فرستاده مخصوص ریگان یعنی جناب مک فارلین در حال خوردن کیک ارسالی رئیس جمهور آمریکا بوده اند و به ریش همه آنهایی که فریبشان را خورده اند می خندیدند. وقایعی که دیگر ماهیت وابسته امپریالیسم جمهوری اسلامی را نمی توانست بر کسی پوشیده نگاه دارد. اما اگر سیر وقایع با صراحتی چنین آشکار بر صورت تحلیل چریکهای فدائی خلق حکم میداد ولی اپورتونیستهای ماهنوز هم پس از افشای واقعات بسیار در مورد وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم و علیرغم رو شدن اسنادی که نشان میدهد این رژیم نیز مانند رژیم شاه سگ زنجیری امپریالیسم می باشد نمی خواهند واقعیت ماهیت قدرت دولتی در ایران را بپذیرفته و به آن اذعان نمایند.

بیشک اگر اپورتونیستهای ما چشمی برای دیدن و گوشی برای شنیدن داشتند، میباید هزاران فاکت در تانید ایمن واقعیت که جمهوری اسلامی با چه بندهائی به امپریالیسم وابسته است ذکر کرد و همچنین نشان داد که در زنجیره سیاستهای نواستعماری امپریالیسم، نمونه خمینسی نه اولین و نه آخرین آنها بوده است.

آنروزی که عیدی امین جلد جنایتکار اوگاندا نی برای استفاده از احساسات ضد انگلیسی مردم اوگاندا بر تختی سوار میشد که بخاطر تحقیر انگلیسی ها و نشان دادن واقعیت عیدی امین در باصطلاح مبارزه اش بر علیه امپریالیسم بوسیله چهار انگلیسی سفید پوست حمل میگردد، امپریالیسم در حال پیشبرد نوعی از سیاست نواستعماری بود که اتفاقاً بعداً نظیر آنرا در ایران به اجرا در آورد.

نمونه دیگر از این دست را می توان در مورد پاناما ذکر کرد که اخیراً بدنبال تشدید تضادهای درونی جناحهای مختلف امپریالیستی در آمریکا، رئیس پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا CIA مطالبی را در مورد ژنرال نوری ایگا دیکتاتور نظامی حاکم در پاناما افشا نمود که بروشنی کذب ادعاهای جناب نوری ایگا مبنی بر استقلالش از امپریالیستها

زنجیری محدود و منحصر گردد بلکه این مبارزه صرف نظر از اینک که چه شکلی بخود بگیرد برای رسیدن به هدف باید نفوذ امپریالیسم را درجد حوزه‌ها قطع نماید .

اگر اپورتونیستهای ما با تحلیل‌های غیر علمی و فرصت طلبانه خود از ماهیت قدرت دولتی در کشورهای تحت سلطه و عدم درک سرسپردگی حاکمان این کشورها به امپریالیستها میکوشند مواشات گری و سازشکاری خود را توجیه نمایند اما واقعیت اینست که خمینی‌ها و ملک‌حسین‌ها، پینوشه‌ها و ملک‌فهدها، ضیاء الحق‌ها و نوری‌ایگاه‌ها همه و همه جز سگان زنجیری امپریالیسم نمی‌باشند. حال چه نامشان در لیست حقوق بگیران است باشد یا نباشد چه شعارهای ضد امپریالیستی سر بدهند یا ندهند و چه به جنگ زرگری یا ارباب‌خود بپردازند یا با حقارت به پای بوس او بروند؛ وظیفه کمونیستها نشان دادن این واقعیت به کارگران و توده‌های ستمدیده است تا انرژی انقلابی آنها با قدرت تمام برای تحقق شعار "مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش" آزاد گردد .

گسترش جنبش‌های توده‌ای در مستعمرات بخصوص پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته امروز درخرايط غرب بودن امپریالیسم در بحرانی بزرگ و رشد و اعتلای روزافزون مبارزات ضد امپریالیستی در اقصی نقاط جهان این استعمار در اشکال هرچه محیلانه تری بروز نموده و به انواع حیل میکوشد چهره حکومت‌های دست نشانده امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه را بزرگ نماید. هم از اینرواگر در گذشته مبارزه ضد استعماری به مفهوم مبارزه با يك نیروی بیگانه استعمارگر بوده امروز مفهوم مبارزه ضد استعماری و یا به عبارت رساتر مفهوم مبارزه بر علیه امپریالیسم و سلطه جا بر ناهش در کشورهای تحت سلطه از طریق مبارزه با سگهای زنجیریش یعنی رژیم‌های دست نشانده‌ای می‌گذرد که امپریالیستها آنها را علم کرده و به جان توده‌ها انداخته‌اند؛ سگهایی که تحت هدایت و کنترل امپریالیستها، منافع غارتگران استثمارگر را تامین می‌کنند و در عین حال خود را ظاهرا مستقل از امپریالیستها جلوه‌گر می‌سازند. ولی مبارزه ضد امپریالیستی به هدف بر انداختن سلطه استعمارگر هرگز نمی‌تواند به مبارزه با این بیگانگان

گسترش مراکز سرکوب رژیم در نوار مرزی ایران و ترکیه

روزنامه اطلاعات آنزیا بجان مورخ نوزدهم آبان ماه به اسلامی در ساختن پایگاههای مرزی و برپایی برجکهای نقل از فرمانده مزدور ژاندارمری ناحیه آنزیا بجان دیده‌بانی بروشنی بیانگر وحشت رژیم از فعالیت پیشمرگان می‌نویسد: با بهره‌برداری از پنج واحد پاسکا میدینا لاندات، خلق کرد و سازمانهای سیاسی در نوار مرزی بوده و در همان حال تعداد پاسگاههای مرزی ایران در نوار مرزی ایران و ترکیه جلوه‌ای است از توافقات اخیر ایران و ترکیه برای باصلاح به بیست واحد رسیده در روزنامه مزبور در ادامه مطلب آمده است که: "همزمان با احداث پاسگاههای مرزی که برای پناهندگان ایرانی را به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تحویل استقرار دائمی مرزداران در نقاط مرزی ایجاد شده، طی سال میدهد .

جاری يك صد و هشت برجک نیز در مناطق عملیاتی جنسوب تامین "امنیت" مرزها گام دیگری است در جهت سرکوب آنزیا بجان غربی ساخته شده است" و این در حالی است که ۵ مبارزات مردم ما و جلوگیری از خروج ایرانیانی که قصد پاسگاه مرزی جدید الاحداث در ارتفاعات سیدچشمی برعزت و دارند از جهنمی که جمهوری اسلامی در کشور برپا ساخته از این طرف مدت ۶۰ روز ساخته شده و تحت عناوین میله‌های ۷۸، ۱۰۴، طریق خارج گردند .

۱۹۳، ۱۹۰، ۱۶۱ خوانده میشود. اقدامات شتاب زده جمهوری

قطعنامه اعتراضی پناهندگان و آوارگان ایرانی ترکیه

ما پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه ضمن محکوم کردن جنایات ضد انسانی جمهوری اسلامی و همچنین سیاستهای ضد پناهندگی UNHCR آنکارا و پلیس ترکیه خواهستهای خود را ذیلا اعلام نموده و از سازمان ملل و سازمان عفو بین الملل خواهان اقدام عاجل جهت رسیدگی به خواهستهای خود میباشیم. و از سازمانها و نیروهای مترقی و دمکراتیک و مردم آزاد بخواه میخواستیم به شکل که ممکن است از خواهستهای ما حمایت و پشتیبانی بعمل آورند:

- ۱- تضمین امنیت حقوقی و جانی پناهندگان توسط UNHCR بعنوان مرجع حفظ حقوق پناهندگی و برچیدن هرچه سریعتر بساط پلیس امنیت از جلوی درب UNHCR آنکارا و لغو قرارداد معرفی پناهندگان و آوارگان به پلیس و ممنوعیت از استرداد پناهندگان.
- ۲- صدور کارت پناهندگی و لغو خروج و ورود اجباری سه ماه یکبار (پیکش - گپیش) برای پناهندگان.

۳- کاهش مدت زمان انتظار جهت مصاحبه (پذیرش) برای متقاضیان پناهندگی

۴- اعزام هرچه سریعتر پناهندگان به کشور ثالث بدون تبعیض را در نظر گرفتن ضروریات

۵- تسهیل امکان مراجعه به UNHCR برای پناهندگان جهت مطرح کردن مشکلات و حل آن از طریق معرفی مرجعی به پناهندگان و آوارگان

۶- افزایش کمک هزینه ماهها نه همراه با افزایش تورم و یا پرداخت آن بصورت ارز

۷- ایجاد امکانات آموزشی برای فراگیری زبان و شرایطی برای ارتقاء روحی و فرهنگی فرزندان پناهندگان

۸- از مسئولین UNHCR میخواستیم که به سیاست اطلاعاتی UNHCR آنکارا در رابطه به پناهندگان که بویژه از جانب شخص کوشتل صورت میگیرد و همچنین برخوردهای توهین آمیز بعضی از مسئولین UNHCR بویژه آقای توماس مسئول جایگزینی و اعزام پایان دهد.

۹- محدود نمودن کارمندان غیر مسئول ترکیه در داخل UNHCR در حیطه وظایف خود.

توضیح: کارمندان ترک بدلیل پارتی بازی و اخذ رشوه موجب تسریع کار تعدادی شده و بالعکس در مواردی نیز با توصیه دربارن ترک به مسئولین ترک در UNHCR موجب اختلال در امور پناهندگان میشوند.

- ۱- کانون دمکراتیک پناهندگان و آوارگان ایرانی-ترکیه
- ۲- جمعیت دمکراتیک پناهندگان - ترکیه
- ۳- شورای دمکراتیک پناهندگان و آوارگان ایرانی - ترکیه
- ۴- شورای آواره - ترکیه

رونوشت به:

- سازمان ملل

- سازمان عفو بین الملل

- سازمانها و نهادهای پناهندگی

- تشکلهای پناهندگان ایرانی

- احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی ایرانی

گزیده هائیکه از رادیو صداک چریکها

تشدید اعدامهای وحشیانه

زندانیان سیاسی توسط دژ خیمان
جمهوری اسلامی

۶۷/۸/۲۸

تشدید فشار بر آوارگان ایرانی توسط

رژیم های وابسته به امپریالیسم

۶۷/۸/۱۱

خرابیهای جنگ، نعمتی برای

غارتگری بیشتر امپریالیستها

۶۷/۸/۱۹

در تداوم کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی تازه ترین اخبار منتشره حاکی است که صداک تن از انقلابیون کمونیست و مبارزین در بند طی هفته های اخیر در سیزده شهر ایران بنست دژخیمان جمهوری اسلامی به جوخه های اعدام سپرده شده و به در ملاء عام حلق آویز گردیده اند. شهرهایی که اخیرا زندانیان سیاسی در آنها بسته دسته تیرباران و حلق آویز گردیده اند عبارتند از تهران، تبریز، رومس، زنجان، اهواز، کرج، بروجرد، اراک، سمنان، سلماس، خوی و شهرکرد و آمل.

این اعدامهای وحشیانه در تداوم روندی انجام می شود که بدنبال پذیرش مفتضانه قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی آغاز گردیده است و آن یسورش ددمنشانه به انقلاب خلقهای ما می باشد. دستگیریهای گسترده توأم با افزایش وسیع شکنجه های قرون وسطائی و ممنوع الملاقات کردن هزاران تن از زندانیان سیاسی جلوه ای از این تعرض جنایتکارانه به انقلاب ما است.

همچنین اخبار منتشره حاکی است که طی چند هفته گذشته رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی حداقل ۳۰ تن



رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی طی دهال حاکمیت سراپا جنایتش بر میهنمان، شرایط بس دهفتناکی را بر زندگی توده های زحمتکش ما تحمیل نموده و در این مدت به چنان فجایعی دست یازیده که روی خونخوارترین دیکتاتورهای جهان را سفید کرده است. سرکوبی هر نصدای حق طلبانه، زندان، شکنجه و اعدام بهترین فرزندان خلقهای قهرمان مساء قربانی نمودن صدها هزار تن از جوانان میهنمان در سلخ های جنگ امپریالیستی ایران و عراق، اعمال همه گونه اجحاف و زورگوئی و حتی نکالت در خصوص ترسین مسائل زندگی توده ها، گندهائی ازجیات سراپا ظلم و جنایت رژیم منحوس جمهوری اسلامی طی دهال گذشته است. علاوه بر اینها آواره و دربریدن شدن بخشی وسیعی از هم میهنانمان در خارج از کشور بیانگر چهره کریمه و ضد خلقی رژیم است که در خدمت به منافع اربابان امپریالیستش از هیچ جنایتی رویگردانی نمی کند. دهها هزار تن از هم وطنان ما که در بدترین شرایط کار و زندگی قرار داشتند، بسا فروختن اندک وسایل زندگی خویش و کسب مقدار ناچیزی پول و با بجان خریدن آنها خطر جانی، تمامی هم خویش را به

در صفحه ۲۳

اینروزها مسئله بازسازی و نوسازی خرابیهای بجا مانده از جنگ امپریالیستی ایران و عراق یکی از بحثهای داخ معافل داخلی و خارجی می باشد. روزی نیست که خبر گزاریهای داخلی و خارجی خبر از ورود وزرا، متخصصان، سرمایه گذاران و نمایندگان فلان کشور امپریالیستی ویا رویزبونستی که برای بستن قراردادها در این زمینه وارد ایران می شوند، ندهند. و روزی نیست که خبر رفتن هیأت های نمایندگی ایران به کشورهای دیگر را نشویم. خلاصه در این روزها همه در جنب و جوشند و سعی دارند از این خوان یغما سهمی را نصیب خود سازند و صد البته که همه آنهائی که در اینراه به فعالیت مشغولند، مدعیند که خواهان کمک کردن به بازسازی ایران و به مردم ایران هستند. آری امروز همه "غمخوار" ایران گشته اند چرا که ایران کشور است که به یمن نظام سرمایه داری وابسته حاکم بر آن، امپریالیستها و همپالگی های رویزبونستشان می توانند به غارت و جپاول آن مبارت ورزند و امروز نیز که مسئله بازسازی و نوسازی کشور مطرح است چه بهتر که این "غمخواران" تحت همین نام مطامع غارتگرانه خویش را به

در صفحه ۲۵



از پیشمرگان قهرمان خلق کرد را که در اسارت رژیم بسر می بردند در شهرهای سنندج و قزوین به شهادت رسانده است. واقعیت این است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به منظور تأمین منافع اربابان امپریالیستش و بقای سلطه ننگین خویش در شرایطی مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ گردید که نفرت و اعتراض توده های نسبت به این رژیم هر روز ابعاد وسیعتری می یافت و جمهوری اسلامی نیز پس از پذیرش آتش بس نیز اولمسن فرصت هجوم سرکوبگرانه وحشیانه ای را بر علیه انقلابیون و خلقهای میهنمندان سازمان داد که اعدام حداقل ۲۰۰۰ تن از زندانیان مبارز و کمونیست و ستگنری هزاران تن دیگر، طی چند ماه اخیر به گونه ای غیر قابل انکار گواه روشنی بر این امر می باشد.

هرچند که سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و شکنجه زندانیان سیاسی جزء لاینفک حیات رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی بوده و می باشد اما تعدید سرکوب و موج وسیع اعدامهای ماههای اخیر در حالیکه عمق و وسعت خشم و نفرت توده ها و اعتراضات برحق آنها بر علیه رژیم را آشکار می سازد، گویای هراس بسیار شدید جمهوری اسلامی از چشم انداز محتوم نابودیش می باشد. واضح است که رژیم منفور جمهوری اسلامی طی حیات ده ساله اش و بویژه طی ۸ سال تداوم جنگ نامنوسم و سرکوب بی حد و صری را بر خلقهای تحت ستم مان اعمال نموده است که ایسمن ستم و سرکوب موجبات مقاومت و افزایش

خشم و کین توده های ستمدیده ما را بر علیه نظام سرمایه داری وابسته موجب گردیده است. واقعیتی که رژیم ضد خلقی بنا به ماهیت سرکوبگرانه اش پاسخی جز افزایش شکنجه و سرکوب برای آن ندارد.

برای رژیمی که کوچکترین پایگاهی در میان توده ها ندارد، اعداهای گسترده و شکنجه و سرکوب وحشیانه ای که در شرایط کنونی برآه انداخته است امری اجتناب ناپذیر بوده و برآستی بیانگر ایسمن واقعیت است که هرچه پایگاه اجتماعی سلطه اهریمنی رژیمهای وابسته محدودتر می گردد اعمال دیکتاتوری لجام گسیخته شدید و وسیعاً قهرآمیز آنها نیز ابعاد بیشتری می یابد، برای رژیمی که حامی و حافظ منافع سرمایه داری وابسته بسامه امپریالیسم بوده که بنیان آن بر اساس استثمار و غارت و سبب نسترنج کارگران و زحمتکشان و حراج ثروت های کشور استوار است، برای رژیمی که هیچ راهی جز گسترش سلطه بوروکراسی منط موجود برای سرکوب زمینهای انقلاب در پیش ندارد، سازمان دادن موج سرکوب و تعدید اعدام زندانیان سیاسی در پی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ چاره ناپذیر بوده و از این زاویه باید مورد توجه قرار گیرد.

همانگونه که می دانیم طی ماههای اخیر سران رژیم و ستگسها های تبلیغاتی شان جار و جنجال کر کنند، ایه حول به اصطلاح "بازسازی پس از دوران جنگ" برآه انداخته اند که صرف نظر از ماهیت این تبلیغات و ادعاهای رژیم در مورد ابعاد این بازسازی کذائی، آنچه مسلم است "بازسازی" در فرهنگ

جمهوری اسلامی جز تأمین شرایط لازم برای سرمایه های مختلف امپریالیستی در جهت استفاده از این خون یغما که برایشان گسترده است مفهومی ندارد و دول و شرکت های مختلف امپریالیستی هم نه تنها برای کسب حداکثر سود ممکن به رقابت برخاسته اند بلکه خواهان "ثبات و امنیت" لازم برای حرکت سرمایه های خود نیز می یابند.

اگر تا دیروز امپریالیستها با فروش پنهانی تسلیحات نظامی و غارت منابع نفتی کشور سونهای سرشاری را نصیب خود می ساختند امروزه نه تنها در رابطه با ترمیم و گسترش مراکز سرکوب رژیم و چه در رابطه با بازسازی و ترمیم صدها مرکز صنعتی و غیره که در طول جنگ تخریب گردیده اند باید میلیارها دلار به جیب بزنند و دعوت جمهوری اسلامی از شرکتها و کمپانیهای امپریالیستی و شرکت صدها کمپانی و شرکت امپریالیستی در نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران و سفر هیئتهای بلند پایه اقتصادی کشورهای نظیر انگلیس، آلمان غربی، ژاپن، ایتالیا، کانادا، کره جنوبی و غیره طی سه ماه گذشته دقیقاً در ارتباط با امر فوق الذکر بوده و می باشد.

امری که همانطور که گفتیم لازم است تأمین ثبات و امنیت هرچه بیشتر برای گردش سرمایه های امپریالیستی است چرا که هجوم گسترده شرکت های امپریالیستی در چهارچوبه دوران به اصطلاح بازسازی باید با صیانت از سرمایه و تضمین حرکت آن توسط رژیم مزدور جمهوری اسلامی قریب



خود مختاری خواست برحق خلق کرد است

کودکان تشکیل می دادند، توسط رژیم ضد خلقی قبرس، بایک جمبوجت خطوط هوایی ایران ایر به ایران بازگردانده شده و به جمهوری اسلامی تحویل داده شدند.

رژیم جنایتکار قبرس که در پی توافقاتی با جمهوری اسلامی مرتکب یک جنین جنایتی شد. با مقاومت پناهنجویان مبارز مواجه گردید و زمانیکه سرکوبگران قبرسی با غیرانسانی ترین برخوردها، هم میهنانمان را به سوی هواپیما هدایت و کنترل می نمودند، یکی از پناهنجویان مبارز با شکنش عیسه پنجره سالن فرودگاه لارنکا با قطعه ای شیشه رگمچ دستش را برید و یکی دیگر از آنان سر خود را به شیشه ویتترین فروشگاه فرودگاه کوبیده بطوریکه به سختی مجروح گردیده ولی جنایت پیشگان قبرسی در حالیکه وضع مجروحین بسیار وخیم بود پس از سه

اصطلاح معالجه آنان آنها معالجه سربائی، پناهندگان را سوار هواپیما نمودند و فردی نیز که رگ دست خود را بریده بود، با برافکار به هواپیما برده شد و بسا ۱۱۷ تن دیگر از پناهنجویان فسراری از جهنم جمهوری اسلامی به ایران بازگردانده شده و تحویل رژیم جمهوری اسلامی گردیدند. در ضمن در همین رابطه سخنگوی دولت قبرس برای کمزنگ نمودن جنایت مرتکب شده رژیم به صحنه آمده و طی اظهاراتی گفت: "هیچیک از آنان (منظور پناهنجویان ایرانی است) از مقامات دولت قبرس تقاضای پناهندگی ننموده بودند."

این اراجیف سخنگوی دولت ضد خلقی قبرس در حالی اظهار می شد که هم میهنان ما به ناچار به کلیساروی آورده بودند تا با پناهنده شده به کلیسا، از

فرزندان مبارز و کمونیستها توسط سگان زنجیری امپریالیسم در عین حال که ددمنشی رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارده نمایانگر ابعاد مقاومت حماسی کمونیستها و انقلابیون است که سرفرازانه برچم مقاومت و ایستادگی خلقهای در زنجیرمان را در سیاهچالهای قرون وسطائی جمهوری اسلامی در برابر ستم و استثمار ناشی از حاکمیت ننگین نظام سرمایه داری وابسته در اهتزاز نگه داشته اند. بگوئیم تا با گسترش مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهایمان این مقاومت حماسی را هرچه وسیعتر ساخته و موجبات رهایی آنها هزار تن از فرزندان آگناه میهنان و سرنگونی انقلابی و قهرآمیز رژیم مزدور جمهوری اسلامی را فراهم کنیم.

کرستان و بلوچستان و دادن پول هنگفت به افراد قاچاقچی جهت خروج از ایران است می زنند. در اینراه تاکنون عده زیادی جان خود را از دست داده اند و آنتهایی که جان سالم بدر برده اند پس از ورود به کشورهای دیگر در می یابند که مشکلات تازه شروع شده است.

رژیم جمهوری اسلامی که با همه تلاشهای مذبحانهاش در جلوگیری از خروج مردم از کشور ناتوان است، علاوه بر شدیدتر کردن کنترل مرزها در ساخت و ساختن با دیگر دول ارتجاعی و وابسته سعی می نماید تا افرادی که هنوز بصورت پناهنجو در خارج کشور به سر می برند را به ایران بازگرداند.

در پی اجرای یک جنبش سیاست جنایتکارانه ای، در اواخر تیرماه گذشته در قبرس ۱۱۸ نفر از هم وطنانمان که اغلب آنان را زنان و

باشد و مسلماً این امر جز با گسترش جو رعب و خفقان در جامعه و خفه نمودن هر صدای اعتراضی در نطفه و تشدید اعدام و سرکوب وحشیانه زندانیان سیاسی این انقلابیون کمونیست و مبارز در بنسب امکان پذیر نبوده و تنها در این صورت عملی می گردد. بویژه در شرایطی که بحران و تشتت سرتاپای رژیم را فرا گرفته، این امر بصورت حیاتی ترین وظیفه های درآمده است که تمامی داروستانهای مزور رژیم بر آن تأکید داشته و در این زمینه یعنی ضرورت سرکوب خلقی متفق القولند.

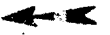
خلقهای تحت ستم، کارگران و زحمتکشان، خانواده های مبارز زندانیان سیاسی! بدون تردید اعدای وحشیانه

تشدید فشار بر ...

از صفحه ۲۱

کار بستند تا از دوزخی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای آنان و سایر زحمتکشان میهنان بوجود آورده است خلاصی یابند. روزی نیست که عدهائی با تحمل مشقت های بسیار و تحمل انواع و اقسام مشکلات ترك كاشانه خود نكندند. وجود میلیونها تن از آوارگان ایرانی در خارج از کشور و همچنین تداوم مبارزات آنان بر علیه سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی گواهی است بر این مدعا.

در رابطه با چگونگی خارج شدن توده های میهنان از مرزها جهت رهایی از ظلم و ستم رژیم آنها به انواع و اقسام ابتکارات از قبیل مخفی شدن در تاکرها و کامیونها تا عبور از مرزهای پر خطر



فرستاد نشان به سوی سپاه‌های قسرون و سطانی رژیم جمهوری اسلامی جلوگیری نمود. ولی از آنجائیکه کمیته‌های کلیسا این نوکران حلقه بیگوش برای دفاع از حاکمیت رژیم قبرس به هرگونه جنایتی دست می‌زننده کار را بدانجا رساندند که با زور پناهجویان را از کلیسا بیرون کشیده و تحویل رژیم جنایتکار قبرس دادند و بدین صورت دولت قبرس به درخواست همپالگیش در مورد بازگرداندن پناهجویان به ایران تحقق بخشد. سخنگوی دولت قبرس در توجیه عمل جنایتکارانه رژیمش گفت: «۹۹ تن از ایرانیان اخیرا وارد قبرس شدند و به آنان اجازه اقامت در قبرس دادند» ولی این سخنگو به هنگام توضیح وضعیت آنها گفت: «این تعداد نیز در تاریخ ۲۰ جولای یعنی ۲۹ تیرماه گذشته از خاک قبرس اخراج شدند و مقامات قبرس این ۹۹ نفر را به تهران فرستادند، حال باید از این مزدورپرسید که اگر چنانچه به ۹۹ نفر یاد شده از طرف دولت قبرس اجازه اقامت داده شده بود پس چرا دولت قبرس آنان را تحویل رژیم جمهوری اسلامی دانویا به اصطلاح سخنگوی مزدور چرا «از خاک قبرس اخراج شدند» آنها وضعیت اخراج این افراد بیانگر این واقعیت نیست که اگر این افراد حتی درخواست پناهندگی نیز می‌کردند، باز به ایران تحویل داده می‌شدند و در نتیجه ادعای سخنگوی مزدور مبنی بر اینکه آنها درخواست پناهندگی نکرده بودند حرف پوچی بیش نیست.»

یکی دیگر از کشورهای که در تحویل پناهجویان ایرانی به رژیم جمهوری اسلامی ید طولائی دارد ترکیه می‌باشد. در تاریخ بیست و نهم جولای سال

میلادی جاری یعنی هفتم مردادماه گذشته، رژیم مزدور ترکیه بدنبال توافقات دیرینه خود با جمهوری اسلامی یکبار دیگر تعدادی از پناهجویان ایرانی را به جمهوری اسلامی تحویل داده و طبق اخبار منتشره رژیم خونخوار خمینی پس از دریافت ۵۷ پناهجوی ایرانی در يك اقدام جدید جنایتکارانه آنان را در مقابل مقامات مزدور ترکیه و در مرز دوکشور به رگبار بست و همگی را به شهادت رسانده مزدوران رژیم ترکیه این ۵۷ تن از پناهجویان را به بهانه اینکه «شما را به کمپهای پناهندگی تحت کنترل سازمان ملل می‌بریم» سوار اتوبوس نموده و آنان را به سوی مرز ایران برده و بصورت رسمی به سپاه پاسداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی تحویل دادند. و پاسداران جنایتکار نیز بی‌تردگ این ۵۷ تن را به فجیع ترین شکل تبریران نمودند اخبار منتشره حاکی است که علاوه بر توافق دو کشور برای تحویل هم‌میهنان پناهجویان به جمهوری اسلامی مزدوران رژیم در ازاء هر نفر از ایرانیانی که به جمهوری اسلامی تحویل داده می‌شود مبلغ ۷۰۰ دلار به مزدوران ترکیه‌ای پرداخت می‌نمایند. و این عمل باعث گردیده تا مزدوران ترکیه افراد بیشتری را تحویل جمهوری اسلامی دهند. البته این اولین بار نیست که رژیم ضد خلقی ترکیه دست به چنین اعمال جنایتکارانه‌ای می‌زند. سال قبل نیز همین رژیم بهی از ۱۰۰ نفر از هموطنان ما را تحویل رژیم ایران داد و همین مسئله بدانجا کشیده شد که سازمان ملل متحد نیز به اصطلاح مدافع در آمد و این عمل را محکوم نمود.

در پی ارتکاب به چنین اعمال

ندگین گاه مقامات ترکیه برای پوشاندن این واقعیات سعی در به اصطلاح دمکرات و آزادیخواه جلوه دادن خویش می‌نمایند. مثلا داستان «سون موز ترکیه» بسم از افشای جنایت همستی مزدوران ترکیه با پاسداران جمهوری اسلامی در قتل عام ۵۷ ایرانی پناهنده و قیحانه از اصول «بین المللی» «اطلاعیه حقوق بشر» و «حقوق پناهندگان» به یاوه سخن گفت.

پاکستان کشور همسایه دیگری است که پناهجویان ایرانی به آن کشور روی می‌آورند در رابطه با شرایط زندگی پناهندگان و پناهجویان ایرانی در این کشور تاکنون مطالب زیادی گفته شده است، و در يك کلام باید گفت انسان از شرایط زیستی مناسبی برخوردار نیستند و در رابطه با همستی پلیس پاکستان با مزدوران و ایادی رژیم جمهوری اسلامی کافی است به آنچه که در تیرماه سال گذشته در کراچی و کوئته به وجود آمده اشاره شود، هیچکس قراموس نکرده است که مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در حمله مسلحانه‌ای که به منازل تعدادی از پناهندگان ایرانی در این شهرها نمودند و باعث به شهادت رساندن تعدادی از آنان گشتند، این عمل جنایتکارانه خویش را در همستی با پلیس پاکستان بهی بردند. امروز نیز ما شاهد آن هستیم که دولتهای ارتجاعی ایران و پاکستان به انعقاد قراردادی فینابین خود مبادرت ورزیده‌اند که طی آن تحت عنوان استرداد مجرمین سعی در ایجاد زمینه هرچه بیشتری برای تحویل پناهندگان به بهانه مجرم بودن آنها نموده‌اند، مسلما دولت پاکستان با تکیه بر این قرارداد در سرکوب مبارزات عادلانه پناهجویان ایرانی در پاکستان





مصرتر خواهد بود. ولی مبارزین ایرانی در پاکستان، نشان داده اند که تاکنون اعمال فشار و تهدید و ارعابهای دولت پاکستان نتوانسته است از مبارزه آنان جلوگیری نماید، و فریاد اعتراض آنان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و ستم و اجافات مقامات ذی ربط امور پناهندگی همچنان رساست.

هم میهنان مبارز در شرایطی که امپریالیستها و سگان زنجیریشان علاوه بر سرکوبی جنیش انقلابی خلقهای قهرمان ما، اینچنین به جنایت و توطئه علیه آوارگان و پناهندگان میهنان در خارج از کشور دست می زنند، وظیفه کلیه نیروهای انقلابی و مترقی و همچنین تمامی تشکلهای دمکراتیک است که با اعتراض وسیعتر خود بر علیه سیاستهای ضد خلقی دولتهاى مزدور و سرسپرده‌ای

همچون پاکستان، ترکیه، قبرس و غیره اعمال این رژیمها را بر حق پناهندگان ایرانی را بجراز پیش در نظر جهانیسی افشاء نمایند و در این راه با فشار آوردن بر ارگانها و سازمانهای مختلف بین المللی مواعع بیشتری در مقابل توطئه‌های حکومتهای ضد خلقی در پیشبرد سیاست جنایتکاران نشان بوجود آورند.

بدون شك روزی خواهد رسید که خلقهای مبارز میهنان با قهر انقلابی خود بوزه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را بخاك بمالند و بسا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر بساط ظلم و ستم امپریالیستی را از ایران برچینند، آنروز دیر نیست روزی که دیگر هیچ ایرانی بخاطر نقض حقوق بشر و ظلم و جور سرمایه‌داران مجبور به ترک ایران نخواهد شد.



امپریالیستها برای تأمین و حفظ منافع خود در ایران و خاورمیانه ادامه جنگ را خواستار بودند و خمینی سگ پسر زنجیریشان شعار جنگ، جنگ تا پیروزی را سر می داد امروز می یابست از برکست خرابیهای جنگ تحت نام بازسازی جیبهای گشاد خود را بر سازند و خمینی مزدور نیز شعار بازسازی و نوسازی را سرلوحه همه کارها قرار دهد.

با نگاهی گذرا به وضعیت خرابیهای ناشی از جنگ در ایران بهتر می توان هم به درجه خسارت وارده و هم وسعت سرمایه گذاریهای که قرار است توسط امپریالیستها و رویزونیستها انجام گیرد، پی برد.

متخصصین ژاپنی که برای بررسی وضعیت مجتمع پتروشیمی جهت تعمیر و راه اندازی به ایران آمده اند اعلام می کنند: "خسارت ناشی از حملات هوایی

عراق به مجتمع پتروشیمی بندر خمینی آنقدر سنگین است که تعمیر و بازسازی آن مقرون به صرفه نیست." این سخنان خود گویای ابعاد عظیم خرابیهای جنگ در ایران می باشد. بخصوص اگر در نظر داشته باشیم که ۸۵٪ از کارهای مربوط به آن مجتمع قبلا به پایان رسیده بود و تنها ۱۵٪ کار باقیمانده بود تا بتوان از آن بهره برداری نمود و هنگامیکه می بینیم پالایشگاه آبانان که بزرگترین پالایشگاه خاورمیانه و جزو یکی از پالایشگاههای بزرگ جهان به حساب می آمد چنان با خاک یکسان گردیده که دیگر اثری از آن نیست و یا سایر مناطق و صنایع از قبیل پالایشگاه تهران، پالایشگاه تبریز، تلمبهخانه‌های گوره، مناطق نفتی پیدبلند و آغا جاری، اسکله‌های بارگیری جزیره

خرابیهای جنگ، ...

از صفحه ۲۱

پیش برند.

برای روشن شدن قضیه بهتر است ببینیم آنهایی که ادعا می کنند می خواهند به مردم ایران جهت ساختن کشورشان یاری رسانند، چه منافعی را دنبال می کنند.

اگر تا دیروز منافع امپریالیستها ایجاب می نمود که با بر راه اندازی جنگ امپریالیستی ایران و عراق، ضمن سرکوب جنیش ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران و خلقهای ستمدیده سایر کشورهای خاورمیانه با فروش جنگ افزارهای مرگبار و مخرب خود به دو کشور ایران و عراق و تشدید این جنگ میلیاردها دلار به جیب بزنند و باز همان منافع





خارك و شهرهای زیادی از قبیل خرمشهر، آبادان، شوش، اندیمشك، دزفول و غیره و راهها و مراکز تجاری بیشماري بسا بطور کلی نابود و یا خسارت فراوانی به آنان وارد گردیده، آنوقت میتوان میزان و حقتناك خرابیها را مجسم کرد. در اینجا لازم است یادآوری نمائیم که خرابی بسیاری از شهرها بعدی است که رژیم جمهوری اسلامی قادر به ساختن مجدد آن نیست و خمینی مزدور ریاکارانه اعلام می کند که این شهرها بهمان شکل مخروبه و به نام یادگار جنگ باقی خواهند ماند. آری اگر خمینی این مزدور امپریالیستها جنگ را "نعمتی الهی" می خواند، سایر سردمداران مزدور رژیم و امپریالیستها بخوبی میدانستند که وی چه می گوید و خلقهای قهرمان ما نیز بخوبی معنی این "نعمت الهی" را میدانستند. اگر جنگ برای امپریالیستها و سگان زنجیریشان نعمتی الهی نبود تا از قبیل آن به غارت خلقهای ما بپردازند، امروز نیز بازسازی خرابیهای جنگ "نعمتی الهی" است که آنان را قادر می سازد همچنان به کار غارت مشغول باشند. چه "نعمت الهی" ای بهتر از این که امپریالیستها بجای پالایگاه ویران شده آبادان، پالایگاه جدیدی احداث کنند و سرمایه های خود را در این رابطه بکار اندازند. و چه نعمتی بهتر از دوباره ساختن اسکله ها و مخازن نفت جزیره خارك و تلمبهخانه های گوره و تمیر و بازسازی پالایگاه های کرمانشاه، تهران، تبریز و بازسازی شهرها می تواند که امپریالیستها را بر پول سازد. و همینطور هنگامیکه سرپرست بخش خاورمیانه بریتانیا که در تهران

بسر می برد به سرمایه گذاران بریتانیایی می گوید که صبر و شکیبایی شود را حفظ کنند چرا که: "ایران به امضای قراردادهای بازرگانی با بریتانیا بویژه برای نوسازی و بازسازی صنایع نفتی خود نیازمند است." بهتر می توان به نعمت الهی جنگ برای امپریالیستها پی برد. بنا بر این بی سبب نیست که همگی نمایندگان امپریالیستها و رویزیونیستها برای استفاده از این نعمت الهی روانه ایران می گردند و بی دلیل نیست که نمایندگان ایران نیز متقابلا به دیدار سایر کشورها میشتابند. آری همگی آنهایی که دم از بازسازی و نوسازی کشور می زنند در نظر دارند از این "نعمت الهی" یعنی خوان یغماچی که جمهوری اسلامی در مقابل استعمارگران استثمارگران گشوده است بهره مند گردند. در اینجا لازم است به این موضوع نیز اشاره نمائیم که در میان سرمایه دارانی که آمادگی خود را جهت همکاری با ایران در ترمیم خرابیهای جنگ اعلام میدارند، آنها را فعلا جای آمریکائیها خالیست. ولی اگر در نظر داشته باشیم که اصولا کارخانجات و شرکتهای کشورهای مثل ترکیه، پاکستان و غیره یا حتی پاره ای از شرکتهای بزرگ کشورهای چون ژاپن، انگلستان، آلمان و غیره با سرمایه آمریکائی بکار مشغولند و یا به سخنی دیگر این شرکتهای شعبه های از شرکتهای و کمپانی های آمریکائی می باشند. آنوقت می بینیم که جای سرمایه داران آمریکائی زیاد هم در این میان خالی نیست.

در این رابطه همچنین باید توجه داشت که سردمداران مزدور رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیز در این

راه سونهای در حد خود خواهند بسرد. آنهایی که در زمان جنگ تحت نام خرید وسایل جنگ بولهای زیادی به جیب زده اند مثل رفیق دوست مزدور وزیر سابق سیاه که تنها در يك قلم خرید لوازم جنگی يك میلیون دلار به جیب زد و با بسرفسجانی جنایتکار که چند میلیون دلاری بابت خرید اسلحه بالا کفید و یا همچنانکه اخیرا فاش گردید در معامله ای که قرار بود ۱۰ هلی کوپتر آمریکائی بطور قاچاق به ایران فروخته شود سفیر ایران در اسپانیا پول کلانی را به جیب زده و غیره، مسلما همین مزدوران و سایر همپالکیهایشان در بعد از جنگ نیز سوء استفاده های زیادی از منابع مالی خواهند نمود و مثلا با بستن به اصطلاح قراردادهای نوسازی و بازسازی شرکتهای خارجی قادر خواهند گشت مبالغ هنگفتی را تحت نام حق الزحمه یا پورسانت و یا حق الدلای و غیره نصیب خود نمایند.

بنابراین آنچه که روشن است این است که شعار بازسازی و نوسازی ایران وسیله ای است برای غارت و چپاول هرچه بیشتر ميهنمان توسط امپریالیستها و رویزیونیستها و سردمداران مزدور رژیم جمهوری اسلامی و کسانی که در این میان مورد استثمار قرار می گیرند همانا خلقهای زحمتکش ما می باشند که چه در دوران جنگ تحت نام کمک به جنگ و کمک به جیبه با زور سرنیزه توسط مزدوران رژیم اخاذی می شدند و امروز بسا می بایست تحت نام بازسازی و نوسازی همچنان در فشار باشند و اتفاقا سردمداران مزدور رژیم از هم اکنون دارند زمینه را برای سرکشم کردن در صفحه ۱۶

اخباری از وضعیت پناهندگان ایرانی در پاکستان

⊗ بنا به اخبار رسیده ۳ پناهنده ایرانی در مرز پاکستان - هند توسط پلیس هند وستان به گلوله بسته شده و جان خود را از دست دادند. در روز ۵ مهر ماه سال جاری آواره ایرانی که قصد خروج غیرقانونی از پاکستان و ورود به هند از طریق مرزهای زمینی را داشتند در نوار مرزی دو کشور در ناحیه ای موسوم به "پووارالا" توسط پلیس گشتی هندوستان به گلوله بسته شدند. ۳ تن از هموطنان پناهنده مان به اسامی روزبه و مهرداد اهل آبادان و محمد اهل مسجد سلیمان درجا کشته شده و نفر چهارمی به نام "ابراهیم" اهل تهران زنده بماند. اسارت پلیس هند در آمد ۴ آواره ایرانی، ۳ ماه قبل از واقعه مزبور از ایران وارد پاکستان شده و به لاهور آمده بودند. در لاهور پس از عدم موفقیت در دریافت کارت پناهندگی از دفتر پناهندگی سازمان ملل (UN) ناگزیر از تشرک پاکستان شده تا بتوانند در شرایط بهتری به زندگی ادامه دهند. آنان با پرداخت ۳۰۰۰ روپیه به یک قاچاقچی پاکستانی موفق به عبور از مرز بین دو کشور شدند ولی هنوز ۶۰۰ متری وارد خاک هند نشده بودند که توسط پلیس گشتی هند به گلوله بسته شدند. فقدان چشم انداز روشن از زندگی در پاکستان، نبود امنیت، بی حقوقی، انبوه مشکلات اجتماعی، بی آیندگی و بالاخره بی اعتنائی دفتر پناهندگی سازمان ملل مستقر در پاکستان (UN) نسبت به زندگی و سرنوشت آوارگان ایرانی که از میهن خویش به دلیل مظلوم و بیدادگریهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی رانده شده و به امید دستیابی به زندگی بهتر به پاکستان آمده اند، آنان را ناگزیر می سازد که همچنان برای زندگی در شرایط مناسبتر با پرداخت مبالغ هنگفت به دلان و قاچاقچیان مجدداً راه آوارگی را در پیش گرفته و با تحمل مشقات و خطرات بیشمار از طریق مرزهای زمینی به هند بروند. در این مسیر پرخطر بسیاری از آوارگان به اسارت پلیس مرزی هند و پاکستان درآمدند. و ماهها و گاه حتی بیش از یکسال در زندانهای مرون و سلاطی این کشورها پسر برده و غالباً بدلیل شرایط بد زندان سوء تغذیه و نبود حداقل امکانات بهداشتی دچار انواع بیماریهای جسمی و اختلالات روانی می شوند. سرگ دردناک آواره ستم دیده بدست پلیس جنایتکار هند، درحالیکه چهره ضد خلقی پلیس هندوستان را آشکار میسازد، در همان حال از یکسو افتاگر چهره رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی است

⊗ در اواسط آبانماه سال جاری ۳ خودرو حامل پاسداران و مزدوران سرسپرده وابسته به بسیج عتبار بلوچستان مسلح به سلاحهای سنگین و نیمه سنگین از جمله آر- پی - جی ۱۷ از طریق مهر جاده وارد خاک پاکستان شده و در عمق ۴۰ کیلومتری خاک پاکستان به اهالی ستم دیده بلوچ ایرانی که در پاکستان پناهنده شده اند حمله و رمی شوند. درگیری از حوالی غروب شروع شده و تا صبح روز بعد به علت مقاومت سرسختانه ۲ تن از اهالی که مسلح بودند ادامه می یابد. در دو روستائی که مورد تعرض عمال رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند تنها دو تن از مردان روستا در محل حضور داشتند. در طی این درگیری که در منطقه سکونت اهالی طایفه شهنوازی روی داد یکی از اهالی مورد اصابت گلوله قرار گرفته و زخمی میشود ولی از تلفات عمال جنایتکار رژیم اطلاعی در دست نیست. از مزدوران جمهوری اسلامی ۶ گلوله آر- پی - جی ۷ مقداری خشکاب کالشینک و مقادیر دیگری فشنگ در محل درگیری بجای مانده است. مزدوران رژیم در پایان عملیات ناموفق و بی نتیجه فرجامشان زیوانه به درون خاک ایران عقب نشینی می نمایند.

⊗ در مهر ماه سال جاری یکی از پناهندگان ایرانی در یکی از محلات شهر کراچی پاکستان مورد حمله دوتن از عوامل مزدور رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته و مجروح میشود. مهاجمین جنایتکار به سلاحهای گرم و سرد از قبیل کلت و چاقو مسلح بوده و با ضربات چاقو به هموطن پناهنده حمله ور شده و وی را زخمی می نمایند.

⊗ روز دوشنبه ۱۶ آبان ماه پناهندگان و آوارگان ایرانی مقیم پاکستان به یک حرکت اعتراضی گسترده در مقابل ساختمان دفتر پناهندگی سازمان ملل در شهر کراچی دست زدند. متعرضین که تعداد آنان پیش از صدفتر بود به موج کشتارها و اعدامهای وحشیانه زندانیان سیاسی و آزار و شکنجه انقلابیون در بند و دستگیریهایی گسترده اخیر جمهوری اسلامی اعتراض نمودند و همچنین استرداد آوارگان ایرانی توسط دولت جنایتکار ترکیه به رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نمودند. در این حرکت، مظاهر کنندگان به فضای فاحشه مرگ ۳ هموطن آواره در نوار مرزی هند و پاکستان پرداخته و سیاستهای ضد پناهندگی دفتر سازمان ملل در قبال آوارگان را محکوم ساختند.

را مجبور کرده برای نیروهای سرکوبگرشان بیزنده مردم باید برای تهیه نان ساعتها در صفهای طولیل بسربردند و تازه نان مورد نیازشان را نیز نمیتوانند تهیه کنند.

مردم

● - اخیرا گروه ضربت رژیم در منطقه ربط سرشت برای تأمین مواد خوراکی مورد نیازشان به زور وارد منازل روستائیان زحمتکش شده و روستائیان را تحت فشار قرار داده اند.

میریوان

● - چندی پیش مردم زحمتکش روستای "ازگل نوقلند" از توابع مریوان که از ۸ ماه پیش در اثر فساد و ارباب پاسداران مجبور به ترک خانه و کاشانه شان گشته بودند تصمیم به بازگشت دوباره به روستای خویش میگیرند. مزدوران رژیم وقتیکه متوجه بازگشت روستائیان میشوند به اذیت و آزار آنها پرداخته و وسایل زندگی شان را از خانه هایشان بیرون میزنند تا روستائیان را مجبور به کوچ دوباره نمایند. اما اهالی در مقابل اجافات مزدوران رژیم مقاومت کرده و از حق طبیعی سکونت در روستای خود دفاع می نمایند. آنها با مراجعه به ادارات مختلف شهر مریوان مزدوران رژیم را تحت فشار قرار می دهند و بالاخره در نتیجه مبارزات اهالی روستای فوق رژیم مجبور به عقب نشینی از خواست ارتجاعی فوق می گردد.

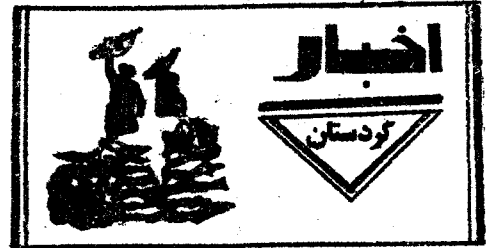
سنندج

● - در ادامه سیاست کشتار فرزندان مبارز خلشق در سیاهچالها و اخیرا نژخیمان جمهوری اسلامی ۳۰ تن از زندانیان سیاسی را در سنندج و سقز به جوخه های اعدام سپردند.

بیانه

● - در تاریخ ۷ آبانماه در استادیوم شهر بانه مزدوران شهریانی به دلایل واهی به چند نفر از تماشاچیها توهین نموده و با باتوم آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. این امر با اعتراض مردمی که ناظر بر صحنه بودند مواجه گشته و کار به جایی می کشد که مردم به مزدوران حمله کرده و آنها را به باد کتک می گیرند. پس از این درگیری رژیم استادیوم را تعطیل می کند.

● - رژیم از بازگشت اهالی روستاهای مرزی که در اثر جنگ خانه و کاشانه خود را ترک کرده بودند جلوگیری می نماید و در همان حال مزدوران جمهوری اسلامی به اهالی ۳۵ روستای منطقه بانه اعلام کرده اند تا اول سال ۶۸ فرصت



مهاباد

● - رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی چهار زندانی سیاسی را در مهاباد اعدام نموده و جد آنان را به خانواده هایشان تحویل داد. مزدوران رژیم به خانواده شهدا اخطار نمودند که حق برپائی مراسم بزرگداشت خاطره فرزندان شان را ندارند. - در شهر مهاباد مصالح ساختمانی کمیاب گردیده و رژیم به بهانه برنامه های بازسازی مناطق جنگی، در توزیع این مصالح خودداری می نماید و وقتیکه اهالی برای تهیه نیازهای خود در این زمینه به شهرداری مراجعه می کنند نه تنها مصالح ساختمانی در اختیار آنها گذاشته نمی شود بلکه به بهانه کمک به امر بازسازی آنها را مجبور به پرداخت باج نیز می کنند.

سقز

● - مدتهاست که محلات زحمتکش نشین شهر سقز با کمبود آب مواجه اند و به این دلیل اهالی بارها به ادارات دولتی مراجعه کرده و خواهان لوله کشی آب شده اند ولی مسئولین مربوطه می گویند هر کس آب می خواهد باید امتیاز آنرا به قیمت ۱۵ هزار تومان خریداری نماید.

دیواندره

● - چندی پیش مزدوران جمهوری اسلامی جنازه تعدادی از سربازان این شهر را که در جریان جنگ کشته شده بودند به خانواده هایشان تحویل می دهند و همراه با آن عکس قربانیان مزبور را همراه با عکس خمینی با گل آراسته و به عنوان هدیه برای خانواده های آنها می فرستند با توجه به نفرت شدید مردم این شهر نسبت به رژیم مزدور خمینی این امر باعث خشم خانواده قربانیان جنگ می گردد و آنها قاب عکس خمینی را شکسته و با تجمع در مقابل مقرات الله و بنیاد شهید دست به اعتراض زده و بر علیه رژیم شعار می دهند که ایمن حرکت اعتراضی به مدت نیم ساعت ادامه داشت.

● - مدتی است که در دیواندره آرد کمیاب شده و مردم مجبورند نان مورد نیازشان را اغلب از بازار آزاد به قیمت بیشتری خریداری نمایند. از آنجا که رژیم نانوائیهای شهر

است که قبلا نیز به هنگام ثبت نام دانش آموزان به بهانه باصلاح بازسازی مناطق جنگی جمهوری اسلامی به اخذ از خانواده دانش آموزان پرداخته بود.



چندی پیش مسئولین پادگان عجب شیر به سربازان اعلام می کنند که داوطلبین خدمت در واحدهای پیاده سپاه خود را به بخش آموزش سپاه پاسداران معرفی نمایند اما از آنجا که هیچ کدام از سربازان، داوطلب خدمت در سپاه پاسداران نبوده و از این امر سرباز می زدند، فرماندهان مزدور رژیم برای تحقق خواست خویش به زور متوسل شده که با مقاومت سربازان مواجهه می کردند در جریان این برخوردها روزی با نزدیک هم ماه درگیری ای بین پاسداران و سربازان پیش می آید که بر اثر شلیک پاسداران ۴ سرباز کشته و عده ای مجروح میگردند.

دارند که روستاهای خود را ترک نمایند و تا آن زمان حق بهره برداری از زمین هایشان را نیز نخواهند داشت.

● - مردم مبارز شهر بانه در جریان خاکسپاری سربازی بنام صلاح ذبیحی که قربانی جنگ ایران و عراق گردیده و جسد وی به خانواده اش تحویل داده شده بود نسبت به اعتراض زده و بار دیگر انزجار و تنفر خود را از جمهوری اسلامی و جنگ امپریالیستی ابراز نمودند.

پیرانشهر

● - جمهوری اسلامی در يك يورش ددمنشانه به منطقه پیرانشهر اهالی ۱۴ روستا را به زور مجبور به کوچ نموده و روستاهایشان را وحنیانه به آتش کشید.

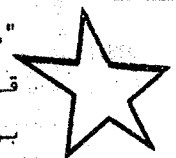
● - اخیرا در شهر پیرانشهر ایادی رژیم با صدور قبضی تخت عنوان طرح کمک اولیای دانش آموزان به مدارس از خانواده دانش آموزان مبالغی اخذ نمودند. لازم به یادآوری

روز شمار

- ۱۳۴۲/۸/۴ احیای قانون کاپیتولاسیون
- ۱۳۳۳/۸/۷ تصویب قرارداد کنسرسیوم نفت
- ۱۳۸۷/۸/۷ اعتصاب کارگران کارخانه چرمسازی تبریز بر رهبری سوسیسال - دمکراتها
- ۶۰/۸/۸ شهادت رفیق مبارز مجتبی احمدزاده

- ۶۰/۸/۱۳ - ۵۷/۸/۱۳ کشتار دانش آموزان (روز دانش آموز)
- ۶۰/۸/۲۲ - ۵۹/۸/۱۳ قتل عام روستائیان ایندرفاخر در کردستان
- ۶۰/۸/۲۸ - ۸/۱۶ انقلاب کبیرا اکتبر ۱۹۱۷
- ۶۱/۸/۱۰ - ۱۳۳۳/۸/۱۹ شهادت دکتر حسین فاطمی
- ۶۲/۸/۱ - ۸/۲۰ پایان جنگ جهانی ۱۹۱۸
- ۸/۲۰ - ۸/۲۰ استقلال آنگولا ۱۹۷۶
- ۵۲/۸/۲۳ اعتصاب کارگران جهان بیت

"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"
(ماگوتسه دون)



شهادت آبان ماه

چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا:	۵۰/۸/۱۹	علی بهروزی
شاهرخ هدایتی	۵۴/۸/۲	علی برنشان
فرهاد سپهری درظفار	۶۰/۸/۴	محمد قادری
محمدقلی جهانگیری	۶۰/۸/۵	حسین رکنی
عزیز پورا احمدی	۶۰/۸/۵	احمدبیل افکن
مهین جهانگیری	۶۰/۸/۷	علی اصغر ذاکری
حسین مدیر شانهچی	۶۰/۸/۷	فرجاله نیک نژاد (کاک وریا)
محمدحسین خادمی	۶۰/۸/۸	سلیمان (جاسم) سلیمانی
علیرضا شفیعی	۶۰/۸/۱۳	
محمدحسین سلیمانی		



هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

باج و خراج در دادگاه لاهه جلوهای از مبارزه جمهوری اسلامی با آمریکا

رژیم وابسته به امپریالیسم نفث و عملکرد این رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در ده سال حاکمیت سیاه پرداخته شود علیرغم شعارهای رنگارنگ خود همیشه کوشیده است با تبلیغات و ادعاهای کاذب خط سياه وابستگی و ریاکارانه و سردادن شعارهای بااصطلاح سرپردگی این رژیم به امپریالیستها با ضد امپریالیستی بز مبارزه ضد امپریالیستی وضوح تمام خود را آشکار میسازد.

و ضد امریکائی به خود گرفته و تودهها یکی از حوزههایی که ادعاهای را فریب نهد. اما در این ده سال در بااصطلاح ضد امریکائی جمهوری اسلامی را رابطه با هر مسئله ای که به بررسی

در صفحه ۱۴

سگهای زنجیری امپریالیزم

جریکهای فدائی خلق برای نمان دادن نوع رابطه رژیم های حاکم بر ایران و دیگر کشورهای تحت سلطه امپریالیزم از اصطلاح سگ زنجیری استفاده می نمایند و این اصطلاح درحالیکه درک ما را از ماهیت قدرت دولتی در این کشورها و ماهیت رژیم ها و سردمداران چنین رژیم ها نشانی روشن میدهد در همان حال مرزهای روشن فیما بین ما با دیگر نیروهای سیاسی ترسیم میکند.

ما این اصطلاح را بکار می بریم چرا که معتقدیم ایران تحت سلطه امپریالیزم بوده و نظام حاکم بر کشور سرمایه داری وابسته است و نظامی که ایران را به جزئی ارگانیک از نظام جهانی امپریالیستی تبدیل نموده و سوز و آزاری وابسته در آن مستقیماً با هدایت و به نمایندگی امپریالیزم در سیاست و اقتصاد کشور حاکم است.

ما این اصطلاح را بکار می بریم تا نشان دهیم که هیئت حاکمه و اعضای آن در کشور ما طبق برنامه و نقشه ای عمل می کنند که خطوط کلی آن توسط امپریالیستها و بدون شرکت آنها تهیه شده و حتی در هنگام اجرای این برنامه ها و نقشه ها این هیئت حاکمه و اعضای آن زیر کنترل و تحت نظارت امپریالیزم قرار دارند.

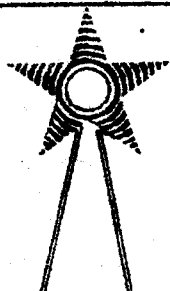
کا ربرد این اصطلاح به جریکهای فدائوسی خلق کمک میکند تا در صفحه ۱۷

گرامی باد ۳۳ آبان روز دانش آموز

۱۶ آبان سالروز انقلاب کبیر اکتبر گرامی باد

با کمکهای مالی خود
جریکهای فدایی خلق ایران
را پاری رسانید

در اکتبر آملو سازمانی نگوشید



صدای
جریکهای فدایی خلق ایران

ساعات پستی :
۹ شب و
۵ و ۶ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد
ردیف ۷۵ متر

برای تماس با جریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی های زیر مکاتبه کنید:

انگلستان فرانسه
F. S B. P. 181 75623 PARIS CEDEX 13 FRANCE
BM BOX 5051 LONDON WCIN 3XX ENGLAND

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!